Quran and Hadith Studies

علوم قرآن و حدیث

HomePage:https://jquran.um.ac.ir/ Vol. 55, No. 2: Issue 111, Autumn & Winter 2023-2024, p.177-207

Online ISSN: 2538-4198 Print ISSN: 2008-9120

Receive Date: 19-06-2021 Revise Date: 13-10-2021 Accept Date: 17-10-2021

DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2021.71055.1132 Article type: Original

A Critique on Statistical Studies in the Holy Quran based on the Characteristics of *Muṣḥaf* Script

Azam Sadeghinia (corresponding author)**,** Ph.D graduate, Ferdowsi University of Mashhad

Email: asadeghiniya@gmail.com

Dr. Seyyed Kazem Tabatabaipour, Professor of Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

Some Quranic scholars, especially at the present time, have conducted statistical research on the Holy Quran, and their main goal is to prove the miraculous aspects of Quran through numerical and statistical analysis. However, the degree to which one can trust the results of such studies has been a great concern.

In order to evaluate the correctness of the results of such investigations, we have reviewed the Arabic script in general and the script of *Muṣḥaf* (a written copy of the Quran) in particular. The results show that numerical and statistical researchers, due to their unfamiliarity with the calligraphy, script and date of writing of the *Muṣḥafs*, have considered the script of the famous *Muṣḥafs* as a fixed and unchangeable fact, while in writing many words and letters in Arabic, especially in *Muṣḥafs*, there is not one identical instruction that is agreed upon by all. Therefore, different possible ways for writing one single letter, word or sentence may bring about different results in the statistical analyses.

This clearly shows that the results of many -not all- of these studies are not assured and need to be considered with more caution and thought.

Keywords: statistical research about the Holy Quran, numerical miracle of the Quran, Arabic script, *Muṣḥaf* script, number 19, number 7

Quran and Hadith Studies

علوم قرآن و حدیث

HomePage:https://jquran.um.ac.ir/

سال ۵۵ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۱۱ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ص ۲۰۷ - ۱۷۷

شاپا الکترونیکی ۴۱۹۸-۲۵۳۸

شاپا چاپی ۹۱۲۰-۲۰۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۵

DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2021.71055.1132

نوع مقاله :پژوهشی

نقدی بر پژوهش‌های آماری در قرآن کریم بر پایهٔ ویژگی‌های رسم‌المصحف

(نویسنده مسئول)اعظم صادقی نیا

دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن وحدیث دانشگاه فردوسی مشهد

Email: asadeghiniya@gmail.com

دکتر سیّدکاظم طباطبایی پور

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

تنی چند از قرآن‌پژوهان، به‌ویژه در عصر حاضر به پژوهش آماری در قرآن کـریم پرداخته‌انـد و هـدف آن‌هـا عمـدتاً اثبات اعجاز قرآن کریم از راه تحلیل‌های عددی و آماری است. اما یکی از دغدغه‌های قرآن‌پژوهان همواره این است که تا چه اندازه می‌توان به نتایج این پژوهش‌ها اعتماد کرد و بدان استناد جست؟

در پی سنجش درستی نتایج چنین بررسـی‌هایی، بـه بررسـی اجمـالی رسـم‌الخط عربـی عمومـاً و رسم‌المصـحف خصوصاً پرداخته‌ایم. نتیجهٔ بررسی‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که پژوهشگران عددی و آماری به‌سبب ناآشـنایی بـا مسئلهٔ خط و کتابت و تاریخ نگارش مصاحف، خط مصاحف متداول را حقیقتی ثابت و تغییرناپذیر تلقـی کرده‌انـد، درحالی‌که در نوشتن بسیاری از کلمات و حروف در عربی و به‌ویژه در مصـاحف، دسـتوری یکسـان و مـورد اتفـاق همگان در اختیار نداریم، چندان که با نوشتن یک حرف یا یک کلمه یا یک جمله به دو یا چند شـکل، از تحلیل‌هـای آماری نتایج متفاوتی حاصل می‌شود.

این بررسی‌ها به‌روشنی نشان می‌دهد که نتایج بسیاری از این پژوهش‌ها -البته نه همهٔ آن‌ها- اطمینان‌بخش نیسـت و به درنگ و تأمل بیشتر نیاز دارد.

واژگان کلیدی: پژوهش‌های آماری دربارهٔ قرآن کریم، اعجاز عددی قـرآن، رسـم‌الخط عربـی، رسم‌المصـحف، عدد۱۹، عدد۷.

مقدمه

رسم‌الخط یا کتابت، به‌سادگی با تحول‌پذیری بسیار گفتار متحول نمی‌شود، بلکه همواره میان گفتار (قرائت) و نوشتار (رسم‌الخط) ناهمگونی‌هایی یافت می‌شود؛ تاجایی‌که برخی به‌تفکیک، از «زبان گفتار» و «زبان نوشتار» سخن گفته‌اند. در برخورد نخست گمان می‌رود که زبان نوشتار بر گفتار برتری دارد، چراکه نوشتار بر پایهٔ تلفظ واقع می‌شود؛ حال آنکه به گفتهٔ زبان‌شناسان جدید، گفتار بر نوشتار برتری دارد و برای آن دلایلی ذکر کرده‌اند.[۱] نوشتار، کتابت، خط یا رسم‌الخط قراردادی است؛ بنابراین هیچ حرفی با صدای خاصی رابطهٔ الزام‌آور ندارد و حروف در هیچ زبانی از قداست ذاتی برخوردار نیستند.[۲] بدیهی است همهٔ حروفی که برای اصوات گوناگون وضع شده‌اند، جواب‌گوی تمامی آن‌ها نیست؛ درحالی‌که از آغاز، اصل بر آن است که حرف معادل یک صدا باشد. چنین وضعی نویسندگان نخستین، ازجمله نویسندگان زبان عربی را در تنگنایی قرار داد که صداها را چنان بفشرند که در قالب تعداد حروف بگنجند. نمونهٔ آن را می‌توان تلفظ «ن» در واژگانی چون «إن ثاب، من بعد، منذر، إن شاء و...» نام برد که برای همگی آن صداها، حرف «ن» را برگزیده‌اند.[۳] علاوه بر این، کاتب مصحف گاه کلمه‌ای را که می‌شنیده، می‌نوشته است، درنتیجه، در مواردی ناهماهنگی میان شکل نوشتاری کنونی و اصل آن کلمه به چشم می‌خورد.[٤] بنابراین، اختلاف در رسم یک مصحف و مصاحف گوناگون نسبت به یکدیگر انکارناپذیر است.

بررسی قرآن‌های چاپی در کشورهای اسلامی نیز از جواز کتابت به شکلی جز رسم‌المصحف حکایت دارد. مثلاً قرآن‌هایی که در ایران و ترکیه و عراق به چاپ می‌رسند بر پایهٔ تلفظ یا رسم‌الخط قیاسی (املایی) کتابت شده؛ برخلاف قرآن‌های چاپ عربستان و شمال آفریقا (مصر، لیبی و...) که بر پایهٔ رسم‌المصحف کتابت شده‌اند، رسم‌الخطی که به رسم‌الخط عثمانی یا رسم‌الخط توقیفی قرآن شهرت پیدا کرده است.[٥] جواز کتابت جز بر اساس رسم‌المصحف، به عصر حاضر اختصاص ندارد و در سخن پیشینیان، همچون باقلانی (متوفای ٤٠٣ق) نیز دیده می‌شود که «قرائت صحیح» را اصل و اساس ارتباط با قرآن دانسته و رسم‌الخط را تنها نشانه و رسمی قراردادی معرفی کرده‌اند.[٦]

با این توضیحات، پژوهش‌های آماری ذیل عناوین پژوهش‌های پراکندهٔ آماری، مطالعات در اثبات اعجاز عدد ۱۹، ۷، ۲۹، ۱۲، ۱۴ و ۵ تنظیم شده‌اند. در ادامه نیز مطالبی از کلیات رسم‌الخط خواهد آمد تا

---

۱. نک: هال، زبان و زبان‌شناسی، ٣٤تا٣٥.
۲. هال، زبان و زبان‌شناسی، ٤١.
۳. حمد، رسم الخط مصحف، ٢٣٣تا٢٣٤.
٤. تفکری، پژوهشی در رسم المصحف، ۷۹تا۸۳.
٥. تفکری، پژوهشی در رسم المصحف، ۷۶تا۷۷؛ نک: شورای تحقیق، بررسی تطبیقی رسم المصحف، ۳۳ و ۳۵.
٦. باقلانی، الإنتصار للقرآن، ٥٦٠/٢.

صحت‌وسقم نتایج آماری پژوهش‌های قرآنی سنجیده شود. گفتنی است مطالعات آماری دربارۀ قرآن کریم فراوان است، اما تعداد محدودی از آن‌ها در نقد پژوهش‌های آماری راجع به مثبتین آن‌ها وجود دارند و از این تعداد نیز تعداد انگشت‌شماری با استناد به رسم‌الخط تألیف شده‌اند. از مؤلفان این آثار، بسّام نهاد جرّار در «الإعجاز العددی بین الحقیقة و الوهم»؛ عباس یزدانی در بخش‌هایی از مقالۀ «اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن»، غانم قدوری الحمد در «الإعجاز العددی فی القرآن حقیقة أم توهّم»، سیدکاظم طباطبایی در «سنجش یک حدیث دربارۀ مدلول حروف مقطعه»، محمدرضا ستوده‌نیا در «فن‌آوری اطلاعات و ظهور جلوه‌ها و فرضیه‌های نوین در اعجاز علمی قرآن»، احمد خالد شکری در کتاب مختصری با عنوان «مقولة الإعجاز العددی: دراسة نقدیّة»، بسیار مختصر برخی مطالعات آماری را با استناد به رسم‌الخط نقد کرده‌اند. ایدۀ اولیۀ این تحقیق از مقالۀ دکتر سیدکاظم طباطبایی دربارۀ مدلول حروف مقطعه گرفته شده است که در آن، مباحث رسم‌الخط نسبت به سایر تألیفات پیش‌گفته بسیار مفصل‌تر بیان شده است.

۱.پژوهش‌های آماری

مطالعات آماری ارائه‌شده دربارۀ قرآن کریم نسبتاً فراوان‌اند. به نظر می‌رسد در دوران متأخر، عبدالرزاق نوفل (۱۲۹۶-۱۳۶۳) برای نخستین‌بار به وجود روابط عددی در قرآن معتقد شد و در سال ۱۳۳۸/۱۹۵۹، به تحقیق دربارۀ تکرار دنیا و آخرت در قرآن آغاز کرد.[۷] ازسوی‌دیگر، مهدی بازرگان (۱۳۷۳-۱۲۸۶)، سیر تحول لفظی و موضوعی قرآن را در دهۀ چهل شمسی به پایان رساند.[۸] پس از این دو، «رشاد خلیفه»، مشهورترین پژوهش‌ها را دربارۀ روابط عددی در قرآن ارائه کرد، به‌گونه‌ای که پیروان فراوان یافت و بسیاری، مبنای پژوهش‌های آماری خود را بر عدد ۱۹ بنا نهادند.[۹] ازآنجاکه این نوع مطالعات از زمان «رشاد خلیفه» به این سوی گسترده شد. در ادامه، تنها به تعدادی از پژوهش‌های عرضه‌شده در دوران معاصر استناد می‌شود، آن هم مواردی که به بحث رسم‌الخط و نه مثلاً شمارش آیات و ترتیب سوره‌ها ارتباط داشته باشند. بر این اساس، مطالعات آماری در بخش‌های ذیل دسته‌بندی و معرفی می‌شوند:

۱. ۱. پژوهش‌های پراکندۀ آماری

۷. نوفل، مقدمة الإعجاز العددی، ٤.

۸. سیر تحول لفظی قرآن، ۱۳۴۴ش. مجموعۀ آثار، «فهرست زمانی عناوین آثار در مجموعه‌های آثار»، سایت بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان.

۹. مانند: جمیل دیباجه: عجائب العدد و المعدودفی القرآن الکریم؛ بسام نهادجرار: إعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم مقدمات تنتظر النتائج؛ بیضون لبیب: الإعجاز العددی فی القرآن؛ فرید قبطانی و احمد حجّاج امین: الصُدفَة المنظّمة الإعجاز العددی فی القرآن؛ سید محمد فاطمی: آیت کبری معجزۀ جاویدان قرآن کریم؛ حسین سلیمان: الإعجاز العددی والرقمی فی القرآن الکریم؛ بهاء البکری: «حساب الجمّل و الاعجاز العددی»؛ عدنان الرفاعی: إحدی الکبر؛ واحدیان درگاهی و حسینی شاهرودی: تحدّی ریاضیاتی قرآن کریم با سایر کتب؛ عبدالله جلغوم: معجزة الترتیب القرآنی.

أ. شب قدر: پژوهش‌های پراکنده‌ای هستند که بی‌آنکه به عدد مشخصی در قرآن، از قبیل ۱۹، ۷، ۲۹ و... اشاره کنند، در پی اثبات اعجاز عددی در قرآن هستند. یک نمونهٔ آن، اثبات شب ۲۷ رمضان به‌عنوان شب قدر است؛[۱۰] توضیح مختصر آنکه، سورهٔ قدر ۳۰ کلمه دارد که به تعداد روزهای یک ماه و ازجمله، ماه رمضان اشاره دارد. ضمیر «هیَ» در آیهٔ پایانی سوره شایان توجه است که کلمهٔ ۲۷ام سوره است. این سخن، دلیل بر آن است که شب قدر، شب ۲۷ام ماه رمضان است.[۱۱]

ب. آنالیز عددی سورهٔ کوثر: سورهٔ کوثر در تعداد حروف و کلمات، حروف تکرارشونده و غیرتکرارشوندهٔ سوره و مانند آن‌ها، عددی مشخص و پیش‌بینی‌شده را به دست می‌دهد؛[۱۲] مثلاً در این سوره هیچ کلمه‌ای دو بار تکرار نشده، لکن حروف چهارگانهٔ اسم سوره، ۱۲ بار در سوره پراکنده شده‌اند که با تعداد حروف آیهٔ دوم سورهٔ کوثر برابر است.[۱۳] حرف «ث» سومین حرف اسم کوثر، چهارمین حرف الفبای عربی است. این حرف، تنها یک بار در این سوره و آن هم در آیهٔ نخست به‌عنوان حرف پانزدهم سوره آمده که تعداد حروف آیهٔ سوم سوره نیز ۱۵ حرف است.[۱۴]

ج. تماثل آیات: تماثل در آیات، عبارت از دو یا چند آیه که در لفظ و معنا مانند هم باشند و در چند سورهٔ مختلف، شمارهٔ آیه‌ای مثل هم داشته باشند؛ مانند آیهٔ ۱۱ سورهٔ مزمل «وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا» و آیهٔ ۱۱ و ۱۲ سورهٔ مدّثّر « ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا وَ وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا»، هر دو آیه با «ذرنی» آغاز می‌شوند. جز این دو، آیه‌ای دیگر در سورهٔ قلم که آغازش با «ذرنی» است؛ با این تفاوت که شمارهٔ آن، نه ۱۱ که ۴۴ و به عبارتی ۴×۱۱ است. شگفت آنکه تعداد حروف این آیه، ۴۴ حرف است که با شمارهٔ آیه برابر است:[۱۵] «فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ.»

د. تناسق عددی: دو آیه یا دو سوره که در تعداد حروف، واژگان و حتی معنای آن‌ها تناسبی برقرار باشد، تناسق عددی گویند؛ همانند دو سورهٔ فلق و عصر که هر دو ۹۰ حرف دارند، سورهٔ عصر ۱۸ کلمه (۹×۲) و سورهٔ فلق ۲۷ کلمه (۹×۳) دارند. در معنا نیز میان دو سوره، رابطهٔ تضاد برقرار است؛ چراکه «فلق»، صبح و آغاز روز و «عصر»، پایان آن را گویند.[۱٦] تناسق عددی در برخی آیات که اشتراک معنوی یا

---

۱۰. در منابع روایی اهل‌سنت، همانند آنچه شیعه بدان معتقد است بیشترین تأکید روی شب ۲۳ رمضان به‌عنوان شب قدر است (نک: صحیح مسلم، ۵۸/۸)، اما امروز آنچه در عمل دیده می‌شود، اهل‌سنت به استناد برخی روایات (همان، ۶۵) شب ۲۷ رمضان را شب قدر می‌دانند و در آن احیا و مناجات می‌کنند.

۱۱. نک: بخیت، اشارات قرآنیة،۳۸تا۳۹؛ جعیدی، «الإعجاز العدد القرآني في حقائق تاريخيّة و فلكيّة»، ۱۷۸تا۱۷۹.

۱۲. نک: قوام‌پور، آنالیز عددی سورهٔ کوثر، ۸تا۷۷.

۱۳. قوام‌پور، آنالیز عددی سورهٔ کوثر، ۱۳تا۱٤.

۱٤. قوام‌پور، آنالیز عددی سورهٔ کوثر، ۷۵.

۱۵. خطیب، اسرار معجزة القرآن الکریم، ۲۹۷.

۱٦. خطیب، اسرار معجزة القرآن الکریم، ۲۸۲.

موضوعی دارند نیز وجود دارد؛ مثلاً تعداد حروف در آیات تحدی (۱۸۶ بقره و ۷۱تا۷۳ واقعه) ۷۷ حرف است و نیز در ۷ آیۀ پایانی سورۀ یس، ۷۷ کلمه است که این ۷ آیه، خود با آیۀ ۷۷ آغاز می‌شوند.[۱۷]

۱. ۲. عدد ۱۹

بیشتر پژوهش‌های آماری به‌منظور اثبات عدد ۱۹ در قرآن است و پژوهشگران در این کارها تلاش کرده‌اند ارتباطی میان حروف، کلمات یا آیات قرآن با عدد ۱۹ بیابند. بررسی این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اعجاز عدد ۱۹ به طرق گوناگون از قرآن به دست می‌آید:

أ. دلالت عدد ۱۹ بر وحدانیت خداوند: به یک سخن، توحید از ۱۹ حکایت دارد؛ برای نمونه، آیاتی که مخلصان را از مفهومی منفی، چون انکار بعث و معاد مستثنا می‌سازد و از قضا، همین استثنائاتِ ثابت یا تقییدات، ۱۹ حرف دارند؛ مانند: «إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ» (صافات) یا دعوت به توحید در آیۀ ۸۸ سورۀ قصص با ۱۹ کلمه: «وَ لَاتَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهاً آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ.»[۱۸]

ب. حقیقت محمدیه و عدد ۱۹: از میان پیامبرانی که نامشان در قرآن آمده، اگر ابراهیم(ع) نقطۀ آغاز زنجیرۀ انبیا[۱۹] فرض شود بدان سبب که ابراهیم(ع) نیای بزرگ پیامبر اسلام(ص) است، حلقۀ نوزدهم، محمد(ص) خواهد بود که نام سورۀ ۴۷ نیز هست. مؤید این سخن عبارت «محمد صلی الله علیه و سلم» است که از ۱۹ حرف تشکیل شده است.[۲۰]

ج. آیۀ بسمله و عدد ۱۹: مهم‌ترین مطلب دراین‌باره، تعداد ۱۹ حرف «بسم الله الرحمن الرحیم» به‌عنوان آیه‌ای کلیدی در قرآن کریم است و همین نکته کاملاً بر اثبات عدد ۱۹ در قرآن تأکید می‌کند.[۲۱]

د. دلالت فواتح سور بر عدد ۱۹: بسامد یا پراکندگی حروف مقطعه در سوره‌ها به تعداد ۱۹ یا مضربی از ۱۹، گویای ویژگی این عدد در قرآن است. برای نمونه، بسامد حرف «ن» در سورۀ قلم، ۱۳۳ یا ۷×۱۹ و حرف «ق» در سورۀ شوری و «ق» هرکدام ۵۷ یا ۱۹×۳ است.[۲۲] از همین قبیل است مجموع تکرار حروف «ح م»، «ک ه ی ع ص» و «ی س» به‌ترتیب در سوره‌های حوامیم، مریم و یس که هریک مضربی

۱۷. خطیب، اسرار معجزة القرآن الکریم، ۲۸۵تا۲۸۹.

۱۸. دیباجه، عجائب العدد و المعدود، ۱۲۴تا۱۲۵.

۱۹. ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، یوسف، شعیب، ایوب، ذوالکفل، موسی، هارون، داود، سلیمان، الیاس، یسع، یونس، زکریا، یحیی، عیسی و محمد(ص).

۲۰. دیباجه، عجائب العدد و المعدود، ۳۵.

۲۱. نهاد جرار، إعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، ۶۱تا۶۲.

۲۲. دیباجه، عجائب العدد و المعدود، ۸۰.

از عدد ۱۹ هستند.[۲۳]

ه. آغاز نزول وحی: دربارهٔ آیات آغازین نزول، عمدهٔ پژوهش‌ها به تعداد حروف سورهٔ علق، ترتیب نزول سورهٔ علق از پایان مصحف کنونی و تعداد آیه‌های این سوره است که همگی آن‌ها عدد ۱۹ یا مضربی از آن هستند.[۲۴] پس از سورهٔ علق، بخش‌هایی از سورهٔ قلم، مزمل و مدثر نازل شده‌اند که هر بخش آن‌ها ۱۹ آیه دارد. پس از این سه، آیهٔ «عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ» با دلالتی آشکار بر عدد ۱۹ فرود آمده، سپس آیهٔ بسمله در آغاز سورهٔ فاتحه که تعداد حروف آن بر عدد ۱۹ یا به تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ دلالتی روشن دارد، نازل شده است.[۲۵]

و. جدول تنازلی یا ابجد قرآنی: جدولی چون جدول حروف ابجد یا حساب جمّل[۲۶] است، با این تفاوت که ارزش عددی هر حرف نسبت به پراکندگی و تعداد آن در قرآن سنجیده می‌شود؛ مثلاً حرف «الف» با همزه، پرکاربردترین و شمارهٔ ۱ و حرف «ظ» کم‌کاربردترین حرف با شمارهٔ ۲۸ هستند.[۲۷] یکی از نمونه‌های فراوان آن، ارزش عددی آیهٔ «قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ» (سبأ: ۴۹) طبق این شمارش ۲۰۹ خواهد بود که مضربی از ۱۹ (۱۱×۱۹) است.[۲۸]

۱. ۳. عدد ۷

أ. اختلاف نگارش حرف «ص» و «س» در واژگان یکسان: سبب اختلاف نوشتاری «بسطة» (بقره: ۲۴۷)، «بصطة» (اعراف: ۱۶۹) و «يَبْصُطُ» (اعراف: ۲۴۵) می‌تواند ۹۸ حرف «ص» در سورهٔ اعراف با آغاز «المص» باشد که ۹۸ بر ۷ بخش‌پذیر است (۱۴×۷). اگر «بصطة» همچون در آیهٔ ۲۴۷ بقره با سین کتابت می‌شد، تعداد حرف «ص» ۹۷ می‌شد که مضربی از ۷ و حتی ۱۹ نبود.[۲۹]

ب. دنبالهٔ فیبوناتچی:[۳۰] شمارش مستمَر یا تراکمی یا دنبالهٔ فیبوناتچی، روشی در ریاضیات است که اعداد در اجزایی پیوسته با اعداد پیش از خود شمارش می‌شوند. در دنبالهٔ فیبوناتچی، هر عضو دنباله، با مجموع دو عدد پیش از خود برابر است. دو عدد نخست، دنبالهٔ ۱ است و اعداد پس از آن، با حاصل جمع

۲۳. نک: دیباجه، عجائب العدد و المعدود، ۸۱؛ پراکندگی تمامی حروف فواتح سور در سور مرتبط نک: بیضون، الإعجاز العددی فی القرآن،۲۱۷تا۲۳۰.
۲۴. نهاد جرّار، إعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، ۴۸تا۴۹؛ دیباجه، عجائب العدد و المعدود، ۲۳تا۲۴؛ قبطانی، الصدفة المنظمة، ۴۴تا۴۸.
۲۵. بیضون، الإعجاز العددی فی القرآن، ۲۴۲تا۲۴۳؛ سلیمان، الإعجاز العددی و الرقمی، ۲۸تا۳۲.
۲۶. دربارهٔ حساب جمّل یا حروف ابجد نک: البکری، بهاء، «حساب الجّمل و الإعجاز العددی»، الندوة الثانیة للإعجاز القرآن الکریم، ۸۳تا۸۸ و ۸۹تا۹۸؛ نهاد جرّار، بسّام، إرهاصات الإعجاز العددي، ۴۵تا۵۴، www.islamnoon.com
۲۷. رفاعی، احدی الکُبَر، ۴۹.
۲۸. رفاعی، احدی الکُبَر، ۷۱تا۷۲؛ نک: رفاعی، احدی الکُبَر، ۶۰تا۲۴۹.
۲۹. شریف، من المعجزة الرقمیَّة، ۱۳۷تا۱۳۸.
Fibonacci number۳۰

دو عدد قبلش برابر است:[۳۱]

۱،۱،۲،۳،۵،۸،۱۳،۲۱،۳٤،۵۵،۸۹،۱٤٤،۲۳۳,...

بر این اساس، در دنبالهٔ اعداد مرتبط با تعداد هر کلمهٔ سورهٔ اخلاص، مجموعهٔ زیر حاصل می‌شود:

بسم - الله - الرّحمن - الرّحیم - قُل - هو - اللهُ - أحد - اللهُ – ...– له – كُفُواً - أحد

۳ ۷ ۱۳ ۱۹ ۲۱ ۲۳ ۲۷ ۳۰ ۳۴ ... ۵۹ ٦۳ ٦٦

اگرچه چینش این اعداد در کنار هم عـدد بزرگـی بـه دسـت خواهـد داد، همـان عـدد نیـز بـر عـدد ۷ بخش‌پذیر است.[۳۲]

ج. قرائت اعداد به دو روش معکوس: یک ویژگی قرآن، منتج‌بـودن اعـداد معـادل آیـات، بـه شـکل عادی یا معکوس آن است؛ یعنی اعداد معادل، به شکل راست‌چین و چپ‌چین، بـر ۷ بخش‌پذیرنـد. بـرای نمونه، تعداد حروف در آیهٔ آغازین قرآن «بسم الله الرّحمن الرّحیم. الحمد لله ربّ العالمینَ» عبارت‌اند از: 6643 ⟶ ۞ ⟵ 7235 چـپ‌چین عـدد نخسـت، ٦٦٤۳ و راسـت‌چین عـدد دوم، ۵۳۲۷ بـر عـدد ۷ بخش‌پذیرند. این عملیات راست و چپ می‌تواند معنا یا تفسیری نوین برای «مثانی» در قـرآن کـریم تلقـی شود.[۳۳]

نمونه‌ای دیگر، در سورهٔ اخلاص وجود دارد. این سوره، ٤ آیه و محتـوای آن، دو فـراز یـا بخـش عمـده دارد: اثبات توحید و یکتایی پروردگار (قل هو الله أحد الله الصّمد)، نفی فرزند یا شـریک از خداونـد (لـم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً أحد). دو فراز سوره به‌طور مختصر طبق جدول ذیل نمایان می‌شوند:

شمارهٔ آیه	۱	۲	۳	٤
تعداد حروف	۱۱	۹	۱۲	۱۵

1512=216×7 119=17×7

⟶ ⟵

راست‌چین اعداد چپ‌چین اعداد

اعداد راست‌چین فوق یا ۱۱۹ و چپ‌چین یـا معکـوس ۱۵۱۲ می‌تواننـد معـادل دو واژهٔ عکـس؛ یعنـی «اثبات و نفی» در زبان باشند؛ به تعبیری، همان مطلبی است که آیات شریفه در دو بخـش اثبـات یگـانگی

۳۱. واحدیان درگاهی، تحدّی ریاضیّاتی قرآن کریم، ۱٦۰.

۳۲. کحیل، معجزة قل هو الله أحد، ۹۸؛ درحالی‌که برخی منابع به این دنباله در اثبات اعجاز عدد ۱۹ استناد کرده‌اند (نک: واحدیان درگاهی، تحدّی ریاضیّاتی قرآن کریم، ۱٦۰تا۱٦۲).

۳۳. کحیل، معجزة قل هو الله أحد، ۱۰۳.

پروردگار و نفی فرزند و همتا ارائه داده‌اند.[۳٤]

د. ساختار دوتایی: این ساختار بر پایه‌ای بسیط شکل گرفته است که همانا در اصل وجود (۱) یا عدم (۰) یک شیء است. نمونهٔ آن، جست‌وجو در سورهٔ اخلاص برای یافتن وجود یا عدم‌حروف لفظ جلالهٔ «الله» در آن است. کلمه‌ای که هریک از سه حرف «ا، ل، ه» در آن باشد، عدد یک و هرکدام را که فاقد حروف لفظ جلاله باشد، عدد صفر می‌پذیرد:[۳٥]

بسم الله الرّحمن الرّحیم قُل هو اللهُ أحد ... له کُفُواً أحد

۰   ۱   ۱   ۱   ۱   ۱   ۱   ۱ ... ۱   ۱   ۱

١١١٠١٠١١٠١١١١١١١١١١١٠ =١٥٨٥٨٥٨٧١٥٨٧٣٠١٥٨٧٣٠١٥٨٧٣٠×٧

ه. ساختار نقطه‌ای: ذیل سورهٔ اخلاص در بخش پیشین، شمارشی دیگر از نوع یا شبیه به ساختار دوتایی درخورِ بررسی است. واژگانی از سوره که حروف آن نقطه دارند، عدد یک و کلمات بی‌نقطه، صفر می‌پذیرند. عدد حاصل و همچنین معکوس آن بر ۷ بخش‌پذیرند.[۳٦]

٠١٠١٠٠١٠٠١٠٠٠٠٠٠٠٠١١١٠١ ↔ ١٠١١١٠٠٠٠٠٠٠٠١٠٠١٠٠١٠١٠

۱. ٤. عدد ۲۹

خداوند متعال، سورهٔ فاتحه را به‌عنوان «امّ الکتاب» برگزید که شامل ۷ آیه و ۲۹ کلمه است. علاوه بر این، تعداد سوره‌هایی که با حروف مقطعه آغاز می‌شوند، ۲۹ سوره است.[۳۷] وجوه اشتراک عمده‌ای میان سورهٔ فاتحه و سورهٔ فتح برقرار است که ریشهٔ دو کلمه و تعداد کلمات سورهٔ فاتحه و تعداد آیات سورهٔ فتح است که هریک به تعداد ۲۹ کلمه و ۲۹ آیه پراکنده شده‌اند.[۳۸] آنچه بر تفرد سورهٔ فتح دلالت می‌کند، ذکر نام محمد مصطفی(ص) در آیهٔ ۲۹ آن است. جز این مورد، در سه آیهٔ ۱۴۴ آل عمران، ۴۰ احزاب و ۲ محمد نیز نام مقدس محمد ذکر شده است. آیهٔ آل عمران، ۲۷ کلمه و آیهٔ احزاب، ۱۷ کلمه و آیهٔ دوم محمد، ۱۸ کلمه دارند؛ مجموع کلمات این آیات، ۶۲ کلمه است. کلمهٔ شصت‌وسوم در آیهٔ ۲۹ سورهٔ فتح یافت می‌شود و آن واژهٔ نخست آیه، یعنی محمد است و در این بر ۶۳ سال عمر شریف رسول خدا(ص) دلالتی است. آیهٔ اخیر، ۵۴ کلمه دارد که با اضافهٔ کلمات سه آیهٔ پیش‌گفته، ۱۱۶ آیه یا مضربی از ۲۹ خواهد شد[۳۹]: ۴=۲۹÷۱۱۶

۳٤. کحیل، معجزة قل هو الله أحد،۷۳تا۷٤.

۳٥. کحیل، معجزة قل هو الله أحد، ۹۹تا۱۰۰.

۳٦. کحیل، معجزة قل هو الله أحد، ۹۸تا۹۹.

۳۷. دیسی، اسرار و اعجاز الرقم ۲۹ فی القرآن الکریم، ۱۰تا۱۳.

۳۸. دیسی، اسرار و اعجاز الرقم ۲۹ فی القرآن الکریم، ٦۳تا٦۷.

۳۹. دیسی، اسرار و اعجاز الرقم ۲۹ فی القرآن الکریم، ۷۹تا۸۱.

۱. ۵. عدد ۱۲

عدد ۱۲ در قرآن کریم با خاندان رسول خدا(ص) پیوند می‌خورد؛ این‌گونه که علی‌بن‌ابی‌طالب(ع)، به‌عنوان ابوالأئمه بایستی ۱۲ حرف، یعنی به تعداد امامان معصوم(ع) داشته باشد.[٤٠] وجود ۱۲ حرف علی‌بن‌ابی‌طالب در قرآن و ۱۲ حرف‌بودن هریک از عبارات «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (صافات: ۳۵، محمد: ۱۹) و «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» (فتح: ۲۹) روشن می‌شود.[٤١] در آیهٔ ۲ سورهٔ زخرف «وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ» ۱۲ حرف دارد که در روایات، مراد از آن علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) است.[٤٢] همچنین در آیهٔ ولایت (مائده: ۵۵) «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» با ۱۲ حرف خود بر علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) دلالت می‌کنند.[٤٣]

علاوه‌بر این‌ها، سورهٔ کوثر به‌تنهایی بر اهل بیت و دوازده امام دلالت دارد، گرچه صاحبان این سخن، عدد ۱۲ را عددی ویژه و پایهٔ عددی سورهٔ کوثر برشمرده و به مذهب بی‌ارتباط دانسته‌اند.[٤٤] پیوند سورهٔ کوثر با عدد ۱۲ غالباً با عملیات چهارگانهٔ ریاضی به اثبات می‌رسد. برای نمونه، حاصل‌ضرب تعداد حروف، کلمه‌ها و آیات سوره در یکدیگر، عدد ۱۲۹۰ را نتیجه می‌دهد: (۱۲۹۰=۳×۱۰×٤۳) که مجموع ارقام این عدد نیز ۱۲ است:[٤٥] (۱۲=۰+۹+۲+۱).

۱. ٦. عدد ۱۴

نزدیک به آنچه در دلالت عدد ۱۲ در قرآن گفته شد، ذیل عدد ۱۴ نیز گفته‌اند. بدین ترتیب که برخی آیات، غیرمستقیم بر عصمت چهارده معصوم(ع) دلالت دارند. از این دسته می‌توان آیاتی را ذکر کرد؛ ازجمله «سَلَامٌ عَلَى إِلْ يَاسِينَ» (صافات: ۱۳۰)، مشتمل بر ۱۴ حرف؛ «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب: ۵۶) شامل ۱۴ کلمه.[٤٦]

۱. ۷. عدد ۵

ارتباط عدد ۵ و قرآن، به ارتباط اصحاب کساء و واژگان «کسوة»، «فکسونا» یا سایر مشتقات آن که مجموعاً در ۵ آیه پراکنده‌اند، باز می‌گردد.[٤٧] اگر تعداد حروف نام‌های پنج‌تن اصحاب کساء «محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین» نوشته شوند، مجموع آن‌ها با ۱۹ برابر خواهد شد که در نظریهٔ رشاد خلیفه، کلید

---

٤٠. فقیه، الکشوف فی الإعجاز القرآنی و علم الحروف، ۱٥٦.

٤١. فقیه، الکشوف فی الإعجاز القرآنی و علم الحروف، ۱٦۰.

٤۲. فقیه، الکشوف فی الإعجاز القرآنی و علم الحروف،۱۶۴تا۱۶۵؛ نک: بحرانی، البرهان فی تفسیرالقرآن، ذیل زخرف: ۲.

٤۳. فقیه، الکشوف فی الإعجاز القرآنی و علم الحروف، ۱۷۹تا۱۸۱؛ نک: فقیه، الکشوف فی الإعجاز القرآنی، ۱۶۶تا۲۲۵؛ نجدی، من الإعجاز البلاغی، ۸۹تا۱۱۲.

٤٤. قوام‌پور، آنالیز عددی سورهٔ کوثر، ۸۰.

٤٥. قوام‌پور، آنالیز عددی سورهٔ کوثر، ۸۱؛ نک: قوام‌پور، آنالیز عددی سورهٔ کوثر، ۸۱تا۸۴.

٤٦. فقیه، الکشوف فی الإعجاز القرآنی و علم الحروف، ۲۹۵تا۲۹۶؛ نک: فقیه، الکشوف فی الإعجاز القرآنی، ۲۹۹تا۳۰۰.

٤۷ نک: فقیه، الکشوف فی الإعجاز القرآنی، ۳۳۱ و ۳۲۸تا۳۳۹.

عددی قرآن است.[48]

۲. رسم‌المصحف

«رسم‌المصحف» اصطلاحی در علوم قرآنی است که دربارهٔ شیوهٔ نگارش کلمات و حروف قرآن کریم بحث می‌کند.[49] علما، پنج قاعده برای رسم‌المصحف برشمرده‌اند: حذف، زیادت، همـزه، بـدل، فصـل و وصل.[50]

۲. ۱. حذف

«حذف»، یعنی نوشته‌نشدن یک یا چند حرف در نوشتار؛ به عبارتی دیگر، برخی واج‌های یـک واژه در نوشـتار ثبـت نمی‌شـوند. حـذف (نوشته‌نشـدن) در قـرآن بـه اشـكال گونـاگون رخ داده اسـت: ۱. حـذف (نوشته‌نشدن) الف؛ مانند الغفرین، الخطئـون، السـموات، هـذان السـحران، ابـرهیم و هـرون، وعـدنکم، زدنهم؛[51] ۲. حذف (نوشته‌نشدن) یاء؛ از قبیل الداع، یؤت، فارهبون، متاب، یحی، ابراهم، ...؛[52] ۳. حذف (نوشته‌نشدن) واو؛ مانند یمح، صلح المؤمنین، یدع، سندع، الغـاون، داود، وری؛[53] ٤. حـذف لام و نـون؛ مانند والتی، الذین، نجی، لننظر، لننصر.[54]

با نگاهی به چاپ‌های گوناگون قرآن به دست می‌آید که رسم بسیاری از واژگان از جهت حذف برخـی حروف، ازجمله حالت جمع و مفرد واژگان مشابه، اختلافی است؛ مـثلاً «بخـرجین» و «خسـئین» بـدون الف[55] و در مقابل، «بخارج» و «خاسئاً» با الف کتابت شده‌اند،[56] درحالی‌که در مصحف بـه خـط احمـد نیریـزی، رسـم دو واژهٔ نخسـت، به‌صـورت «بخـارجین»[57] و «خاسـئین»[58] اسـت. اخـتلاف نوشـتاری «بسیمیهم» (اعراف: ٤٦و٤٨)[59] «بسیمهم» (الرحمن: ٤١)[60] و «سِـیمَاهُمْ» (فـتح: ۲۹)[61] نیـز بـه چشـم

۴۸. واحدیان درگاهی، تحدّی ریاضّیاتی قرآن کریم با سایر کتب، ۱۲۵؛ بیضون، الإعجاز العددی فی القرآن، ۲۰۷.
۴۹. زرقانی، مناهل العرفان، ۳٦۹/۱.
۵۰. زرقانی، مناهل العرفان، ۳٦۹/٦.
۵۱. ضباع، سمیر الطالبین، ۲۴تا۳۰ و ۳۱تا۳۷.
۵۲. ضباع، سمیر الطالبین، ۴۸تا۴۹.
۵۳. ضباع، سمیر الطالبین، ۵۰.
٥٤. ضباع، سمیر الطالبین، ۵۰.
۵۵. مصطفی نظیف، ۱۹؛ مدینه، ۲۵.
٥٦. نیریزی،١٤٧و٥٩٥؛ مصطفی نظیف،١١٤و٤٤٩؛ مدینه، ١٤٣و٥٦٢.
۵۷. ١١٦.
۵۸. ۱۰.
۵۹. مدینه، ۱۵؛ مصطفی نظیف، ١٢٤؛ لاهورکراچی، ۲۵۵و۲٥٦.
٦۰. مصطفی نظیف، ٤٢٥؛ مدینه، ۵۳۳؛ لاهورکراچی، ۸۸۳.
٦۱. مصطفی نظیف، ٤١١؛ مدینه، ۵۱۵؛ نیریزی، ٥٤٠؛ لاهورکراچی، ۸۵۲.

می‌خورد؛ با این تفاوت که «بسیمیهم» و «بسیمهم» در سورهٔ اعراف و الرحمن، در مصحف به خط نیریزی[٦٢] «بِسِيمَاهُمْ» کتابت شده‌اند.

در هریک از نمونه‌های حذف الف، واو و یاء، اختلاف در تعداد حروف کلمه پیش می‌آید. به‌ویژه در نمونه‌هایی مثل «ملک و مالک»، «باسم و بسم»، «ابرهیم و ابرهم»، «یمح اللـه»، تمامی نمونه‌هایی که حروف الف، یاء، واو و حتی لام و نون در «الّی» و «نجی» حذف شده‌اند، دست‌کم یک حرف را نسبت به اصل و بنای واژه کم می‌کند. کسر از تعداد حروف واژه را در «لننصر» و «لننظر» نیز می‌توان یافت. این مطلب دربارهٔ حذف الف وصل که در بالا گفته شد نیز صادق است. بنابراین، در همهٔ پژوهش‌هایی که اعداد را به تعداد حروف کلمه مرتبط ساخته‌اند، با فرض شمارش محذوفات که در اصل، واژه بوده‌اند، نتیجهٔ آماری متفاوت خواهد شد. در تناسق عددی که از تشابه سورهٔ فلق و عصر ازنظر تعداد حروفشان گفته‌اند، تعدادی از کلمه‌های سورهٔ عصر می‌تواند این مدعا را نفی کند. واژگان «الَّـذِينَ» (عصر: ۳) در حذف یک لام، به‌ویژه وقتی بپذیریم علامت تشدید را از دوران آغازین کتابت قرآن روی حروف قرار نمی‌دادند و اینک با نوشتن تنها یکی از حروف هم‌جنس، گویی حرفی را در کلام حذف کرده‌اند؛ «الإنسن» در آیهٔ نخست را بنا بر نسخهٔ قاهره[٦٣] و «الصلحت» (عصر: ۳) در همان نسخه[٦٤] با حذف یک الف در «انسن» و دو الف در «الصلحت»؛ علاوه‌بر سورهٔ عصر، واژگان «یحی، ابرهم» به ترتیب در آیات ۶۸ غافر و ۱۲۴ و ۱۳۰ بقره با حذف «یاء» بنا بر نسخهٔ قاهره، درحالی‌که مثلاً نسخهٔ ایرانی طاهر خوشنویس دو واژه را «یحیی، ابراهیم» نگاشته است؛ واژگان «سندع، فلیدع» در سورهٔ علق با حذف واو که اصل آن دو «ندعو، یدعو» بوده است، جملگی تعداد حروف واژه را دگرگون ساخته‌اند. دربارهٔ تعداد حروف آیهٔ بسمله که ۱۹ حرف بر شمرده‌اند نیز حذف الف وصل در «بسم» به هر دلیلی که بوده باشد، چالشی پیش روی محققان آماری نهاده است که تنها با احتساب همزهٔ محذوف «بسم» ۲۰ حرف خواهد داشت، به‌ویژه آنکه مشابه «بسم» در واقعه: ۷۴، علق: ۱، حاقة: ۵۲ با اثبات همزه و به‌صورت «باسم ربک» کتابت شده‌اند.

ذیل عدد ۱۲ که به آیهٔ ۲ زخرف «وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ» نیز برای اثبات مذهب استناد کرده، باید گفت: رسم «الکتاب» به اثبات الف به تعداد ۱۲ حرف در عبارت می‌انجامد و اثبات الف در «الکتاب» مطابق قرآن‌های چاپ ایران، همانند قرآن به خط طاهر خوشنویس،[٦٥] اما در قرآنی چون نسخهٔ قاهره، همین واژه

٦٢. ١٦٠تا١٦١ و ٥٦١.

٦٣. ٨٢٠.

٦٤. ٨٢١.

٦٥. ٤٥٣.

بدون الف و به‌صورت «الکتب المبین» کتابت شده است.[٦٦] علاوه‌بر این، کتابت حرف «واو» در آغاز آیه، به‌همراه عبارت بعدش به‌صورت «وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ» (زخرف: ۲) خود چالش دیگری است و به حروف و کلمه در بخشی دیگر از مباحث مرتبط می‌شود. در سورهٔ کوثر نیز نسخهٔ قاهره واژهٔ «اعطینک» را بدون الف کتابت کرده، درحالی‌که در نسخهٔ طاهر خوشنویس با الف «اعطیناک» نوشته است. بنابراین، در نسخهٔ قاهره، سورهٔ کوثر، ۴۲ حرف[٦٧] و در نسخهٔ طاهر خوشنویس، ۴۳ حرف[٦٨] دارد. به نظر می‌رسد صاحب فرضیهٔ اثبات عدد ۱۲ در سورهٔ کوثر به قرآن‌های چاپی که رسمشان به اثبات «الف» بوده، استناد کرده است.

۲. ۲. زیادت

ازجمله واژگان قرآن که رسم‌الخطی ویژه دارند و نسبت به رسم‌الخط متداول، غیرمعمول به نظر می‌رسند، زایدشدن الف، یاء، واو در واژه است که با تلفظ آن تطابق ندارد. برای نمونه، در مصاحف، حرف الف در عبارات «لاأذبحنه، مائه و مائتین، لکنا، لشائ، الرسولا، السبیلا، تفتؤا، الربوا، امرؤا و...»، حرف یاء در «آناء اللیل، تلقاء نفس، بأییکم، ایتاء ذی القربی، أفائن، ملائهم، اللائی و...» و حرف واو در واژگان «اولی، اولوا، اولاء، اولئک، سأوریکم، لأوصلبنکم و...» به اصل واژه اضافه شده، اما تلفظ نمی‌شوند، درحالی‌که نمونه‌هایی مشابه چون تمامی موارد «باءو، جاءو» و... بدون الف زاید کتابت شده‌اند.[٦٩] در مصاحف نیز زایدبودن یاء در «تلقاء»[٧٠] و واو در «لأوصلبنکم»[٧١] محل اختلاف بوده یا واو را حذف کرده‌اند. عمدهٔ پژوهشگران آماری، به‌دلیل محدودیت تحقیقاتشان، روی تمامی سوره‌ها مطالعات آماری نکرده‌اند که بتوان آیاتی مشخص در هر بحث را نقل و نقد کرد؛ مثلاً در نمونه‌های قرآنی فوق و سوره‌های حاوی آن‌ها، بررسی آماری به لحاظ تعداد حروف سوره و آیه یافت نشد، لکن می‌توان کلیت نتایج ایشان را در بحث زیادت حروف نقد کرد که باتوجه‌به سایر نمونه‌های ارائه‌شده از ایشان، گویی به مبحث زواید حروف توجهی نداشته‌اند.

علاوه بر نمونه‌های بالا که حروفی زاید در کتابت دارند، شاید بتوان برخی حروف را که برای سهولت در قرائت، در رسم وارد کرده‌اند نیز دلیل بحث زیادت حروف گنجاند؛ مثلاً در قرآن به خط مصطفی

---

٦٦. ٦٤٧.

٦٧. ٨٢٤.

٦٨. ٥٦٧.

٦٩. نک: ضباع، سمیر الطالبی، ۵۳تا۵۶.

٧٠. ضباع، سمیر الطالبین، ٥٠.

٧١. ضباع، سمیر الطالبین، ٥٦.

نظیف،[۷۲] مصحف مدینه[۷۳] و قاهره[۷۴] برای نشان‌دادن «های» ضمیر در کلماتی چون «بعهده» (توبـه: ۱۱۱) و «آخره»، یک «یـاء» و «واو» کوچـک در پایـان کلمـه می‌گذارنـد (بِعَهْـدِهِۦ - ءاخِـرَهُۥ)، درحالی‌کـه در مصحف ایرانی به خط نیریزی[۷۵] و طاهر خوشنویس،[۷۶] «واو» یا «یاء» در پایان کلمه وجود ندارد. گویـا در دستهٔ نخست مصاحف، به‌دلیل افزودن یک «یاء» و «واو» مدّی در اصل کلمـه، عمـلاً حرفـی را بـه تعـداد حروف واژه افزوده‌اند و این، تغییری را در شمارش حـروف و درنتیجـه عملیـات ریاضـی حاصـل می‌کنـد. به‌طورکلی، در بحث زیادت حروف، آن‌گاه که حروف کلمه را بـا و بـدون حـرف زایـد شـمارند، دو نتیجـهٔ متفاوت خواهد داشت.

۲. ۳. همزه

همزه، صرف‌نظر از تاریخچه و کاربرد آن به‌جای مصوت‌های بلند الف، یا، واو،[۷۷] گاه خلاف تلفظـش کتابت می‌شود؛ از آن جمله نمونه‌هایی چون «فأذنوا، وَسئل، لله، جملهٔ انشائی استغفرت به شکل استفهام، بسم الله» و جز آن‌ها هستند که حرف همزه کلاً حذف شده است.[۷۸] نمونه‌های همزه در رسم قرآنی بسـیار است و به‌دلیل ویژگی منحصربه‌فرد این حرف، به‌لحاظ قرائت، همزه را در تمامی قبایل تلفظ نمی‌کردنـد.[۷۹] همچنین نوشتار و تاریخچهٔ آن، رسم و قرائت آن در بیشـتر نمونـه‌هایش محـل بحـث اسـت. از مسـتندات آماری مربوط به همزه می‌توان به تناسق عددی دو سورهٔ «فلق» و «عصر» اشاره کرد که هر دو را ۹۰ حـرف برشمرده‌اند. در آیهٔ سوم سورهٔ عصر آن‌گاه که واژهٔ «امنوا» را همانند نسـخهٔ قـاهره بـا اثبـات همـزه بنگارنـد (ءَامَنُوا)، ۶ حرف دارد و آن‌گاه که همچون نسخهٔ ایرانـی بـه‌خط طـاهر خوشـنویس همـزه را حـذف کننـد (اٰمَنُوا)، ۵ حرف خواهد داشت. با فرض صحت شـمارش سـایر حـروف سـوره، تنهـا در همـین یـک واژهٔ (ءامَنوا- امَنُوا) تعداد کل حروف سوره با اثبات همزه ۹۰ حرف و با حذف آن ۸۹ حرف دارد. این در حـالی است که طبق کتابت نسخهٔ قاهره، تعداد حروف سـورهٔ عصـر، ۹۰ حـرف و بـر پایـهٔ کتابـت نسـخهٔ طـاهر خوشنویس، ۱۰۲ حرف است.[۸۰] باوجود اختلاف شـمارش در دو نسـخه بـه نظـر می‌رسـد صـاحب ایـن

---

۷۲. ۱٦۳.

۷۳. ۲۰٤.

۷٤. ۲٦۱.

۷٥. ۲۰۹.

۷٦. ۱۸۹.

۷۷. نک: حمد، رسم الخط مصحف، ۳۲۱تا۳۲۲؛ عبدالتواب، مباحثی در فقه اللغة، ۴۵۸تا۴۶۴ و ۴۵۲.

۷۸. نک: ضباع، سمیر الطالبین، ۵۶تا۵۷.

۷۹. نک: عبدالتواب، مباحثی در فقه اللغة، ٤٥۳.

۸۰. نک: نسخهٔ قاهره، ۸۲۰تا۸۲۱؛ نسخهٔ طاهر خوشنویس، ۵۶۵تا۵۶۶.

فرضیه،[۸۱] قرآن چاپ قاهره را معیار گرفته است.

۲. ۳. ۱. رسم همزهٔ خلاف قاعدهٔ کتابت

گاه همزهٔ آغاز یا پایان کلمه، خلاف قاعده کتابت می‌شود. قاعده آن است که همزه پس از حرکت فتحه بر پایهٔ الف نوشته می‌شود، لکن کلماتی هستند که همزهٔ آن‌ها بر پایهٔ واو نوشته شده و پس از واو نیز الف زایدی آمده است. از این قبیل: «من عباده العُلَمٰؤُاْ» در سورهٔ فاطر، «يُنَشَّؤُاْ» در سورهٔ زخرف و «الضُّعَفٰؤُاْ» در سورهٔ ابراهیم و غافر هستند؛ برخلاف اینکه در سورهٔ بقره «ضُعَفَاءُ» طبق قیاس آمده است.[۸۲] نمونه‌های خلاف قاعدهٔ دیگر چون «لَئِنۡ أَنجَيۡتَنَا» در سورهٔ یونس بدون الف، «نَشٰؤُا» در سورهٔ هود، «بُرَءٰؤُا مِنكُمۡ» در سورهٔ ممتحنه با یک واو و الف، «وَ إذا الرُّسُلُ أُقِّتَتۡ» با الف بدون واو و جز آن‌ها را می‌توان ذکر کرد؛[۸۳] مثلاً در دو رسم «ضعفؤاْ» و «ضعفاءُ» که پس از «فا»، حرف الف است، با این تفاوت که «الف» در ضعفاء، کتابت شده و در «ضعفؤاْ» حذف شده است. در «ضعفؤُاْ» همزهٔ پس از الف محذوف (و ساکن)، بر پایهٔ واو کتابت شده و یک الف زاید در پایان واژه آمده است؛ یعنی در «ضعفاء» هرچه قرائت می‌شود نوشته شده، لکن در «ضعفؤُاْ» الف خوانا در رسم حذف شده، اما الفی ناخوانا در پایان واژه آمده است. گویی «ضعفاء» ۵ حرف و «ضعفؤاْ» با همان الف مقروء و محذوف، ۶ حرف دارد.

بررسی نمونه‌هایی که در آن‌ها همزه با «واو» یا «یا» آمده، نشان می‌دهد که کاتبان گاه آنچه شنیده می‌شود عیناً کتابت کرده‌اند و گاه «واو» و «یا» را پایهٔ همزه قرار داده بی‌آنکه معادل حرفی برای «واو» و «یا» در کلمه بیاورند. این نکته را در رسم «المَوۡءُۥدَة» در مصحف قاهره[۸۴] و نیز «المَوۡءدَة» در رسم ایرانی به‌خط طاهر خوشنویس[۸۵] می‌توان مشاهده کرد. در رسم نخست، ۸ حرف و در رسم اخیر ۷ حرف به کار گرفته شده است.

۲. ۳. ۲. همزهٔ وصل

اگرچه همزهٔ وصل در اصل واژه بوده باشد، در همهٔ مواردی که در تلفظ حذف می‌شود، در کتابت نیز حذف می‌شود. علما نمونه‌هایی را در این حذف گفته‌اند؛ از قبیل، حذف همزهٔ وصل در «بسم الله»،[۸٦] لله، للدار، للذی، در فعل امر فسل–وسئلوا،[۸۷] همزهٔ مکسور و مفتوح پس از همزهٔ استفهام در دو نمونهٔ

---

۸۱. خطیب، أسرار معجزة القرآن الکریم، ۲۸۲.

۸۲. دانی، المقنع، ٥٦تا٥٨؛ مارغنی تونسی، دلیل الحیران، ۳۰۰تا۳۰۱.

۸۳. نک: ابن‌ابی‌داود، المصاحف، ۱۴۷تا۱۵۰ و ۱۱۶تا۱۱۷.

۸٤. ۷۹٤.

۸۵. ۵۵۰.

۸٦. مارغنی تونسی، دلیل الحیران، ۱۳۸.

۸۷. حمد، رسم الخط مصحف، ٤٠١.

«اصطفی، اتخذتم».[۸۸] حذف یا اثبات نشانهٔ همزهٔ وصل در رسم واژه چندان اثرگذار نیست، لکن بر قرائت آن از جهت ترتیب و تعداد حروف اثر می‌گذارد؛ مثلاً هجای واژهٔ «فانصرنا» با همزهٔ قطع «فَ–اُنْ–صُر–نا» با ۷ حرف و با همزهٔ وصل، «فَنْ–صُرْ–نا» با ۶ حرف است و اختلاف هجایی آن در دستور زبان که به ترتیب بر وزن «مَفاعیلُنْ، مَفْعُولُن» هستند، آشکار است. این اختلاف در هجاء و تعداد حروف، دربارهٔ بسیاری از واژگان دیگر که الف وصل دارند نیز صادق است و این خود بر نتایج پژوهش‌هایی که مبناشان تعداد حروف بوده تأثیر می‌گذارد؛ مثلاً در سورهٔ کوثر عبارت «وأنحر» و «هو ألابتر» همزهٔ وصل دارند. عبارت نخست در قرائت با همزهٔ وصلش، ۲ هجاء و ٤ حرف (وَنْ - حَر) و عبارت دوم، ٤ هجاء و ۷ حرف (هُ - وَلْ - اَبْ - تَر) دارد. درحالی‌که دو عبارت با همزهٔ قطع به ترتیب ۳ هجاء و ٥ حرف (وَ - اِنْ - حَر) و ٥ هجاء و ۸ حرف (هُ - وَ - اَلْ - اَبْ - تَر) دارند. گویی قرائت با همزهٔ وصل، یک حرف از تعداد حروف واژه نسبت به همزهٔ قطع آن می‌کاهد. همچنین اختلاف در رسم همزهٔ وصل در قرآن‌ها نیز دیده می‌شود؛ مثلاً قرآن ترکی به‌خط مصطفی نظیف[۸۹] و قرآن‌های ایرانی به‌خط فضائلی و طاهر خوشنویس[۹۰] همزهٔ وصل را در «خیرٌ اِهبِطوا»[۹۱] با افزودن «ن» مکسور به‌صورت «خیرٌنِ اِهبطوا» یا «خیرُنِ‌اَهبِطوا» نشان داده‌اند، درحالی‌که «ن» مکسور در مصحف قاهره[۹۲] و قرآن ترکی به‌خط مصطفی نظیف به چشم نمی‌خورد و به همان صورت «مَثَلاً القَوْمُ» (اعراف: ۱۷۷) نگارش شده است.[۹۳]

۲. ٤. بدل

«بدل» در کتابت آن است که حرفی جای حرف دیگر نشیند. بدل در قرآن به شیوه‌های گوناگون رخ داده است:

أ. رسم «یا» به‌جای «الف»: مانند «هدیهم، یأسفی، رمی، اوزان فُعالی، فِعلی و...، حتّی، علی، بلی، لدی،[۹٤] سجی، الضحی، دحی‌ها، العلی، القوی و...»؛ دراین‌باره جدول تنازلی یا ابجد قرآنی می‌تواند مثالی نقض باشد که مثلاً «و ما ادریک» در سورهٔ قدر یا «والضحی» در سورهٔ ضحی، حرف «یا» با رسم «الف»؛ یعنی پرکاربردترین حرف، عدد ۱ و با رسم «یا» یا حرفی با کاربرد کمتر از الف، ارزش عددی دیگری خواهد داشت. تفاوت دو عدد در نتیجهٔ جمع اثر می‌گذارد.

۸۸. مارغنی تونسی، دلیل الحیران، ۱۳٦.

۸۹. ۹.

۹۰. ۱۰.

۹۱. بقره: ٦۱.

۱۲ ۹۲

۹۳. قاهره، ۲۲۲؛ مصطفی نظیف، ۱۳۸.

۹٤. «لدا» در سورهٔ یوسف بالإتفاق با الف کتابت شده است.

ب. کتابت واو به‌جای الف: کلماتی چون «الغدوة، کمشکوة، الصلوة، الزکوة، منوة، الربوا، الغدوة و...» آن‌گاه که معرفه به الف و لام باشند با واو، لکن در حالت اتصال به ضمیر؛ مانند «صلاتی، حیاتکم» با الف، کتابت می‌شوند. همانند توضیح مورد پیشین، ارزش عددی کمشکاة با الف در سورهٔ نور با ارزش عددی همین واژه در همین سوره با واو (کمشکوة) متفاوت است؛ چراکه بسامد حرف واو در کل قرآن و ازجمله سورهٔ نور با بسامد حرف الف یکسان نیست.

ج. نوشتار صاد به جای سین: نمونهٔ بارز چنین نوشتاری در مطالعات آماری اختلاف نگارش حرف «ص» و «س» در واژگان یکسان بود که در اثبات اعجازی عدد ۷ گفته شد.[۹۵] اگر کاربرد صاد به‌جای سین در رسم پیشینیان از اغلاط قرآنی در رسم به شمار نیاید،[۹۶] می‌توان گفت از ویژگی‌های زبانی مخاطبان قرآن است؛ بدین معنا که، حرف سین آنجا که با حروف مستعلیه (ع، ق، ح، ط) همراه شود، تلفظش از سین به صاد نزدیک می‌شود. هرچه در واژه «س» به هریک از آن حروف نزدیک‌تر باشد، تبدیل صدای سین به صاد لازم‌تر می‌شود. از نمونه‌های آن در قرآن، واژگان «المصیطرون» (طور: ۳۷)، «بمصیطر» (غاشیه: ۲)، «الصراط» (فاتحه: ۷) را می‌توان برشمرد. دو نمونهٔ دیگر از این دست «یبسط» است که در قرآن به‌صورت «یبصط» (بقره: ٢٤٥) و نیز واژهٔ «بسطة» (بقره: ٢٤٧) که در سورهٔ اعراف به‌صورت «بصطة» (اعراف: ٦٩) آمده است. این توضیحات، به قرائت واژه ارتباط دارد؛ لکن کاتب گاه آنچه از صاد و سین می‌شنیده در رسم وارد می‌کرده و این نکته از اختلاف نوشتاری دو واژهٔ هم‌ریشهٔ «یبصط» (بقره: ۲۴۵) و «بسطة» (بقره: ۲۴۷) به دست می‌آید. اکنون اگر فرض شود «بصطة» در اعراف با اصل و ریشهٔ واژه (بَسَطَ) کتابت شود، نقض مدعای پژوهشگران در اثبات اعجاز عدد ۷ در سورهٔ اعراف است؛ چراکه با فرض اخیر بسامد حرف صاد یکی کمتر می‌شود (۹۷=۱-۹۸).

د. تبدیل نون به الف: در عبارات «إذاً»، «لیکونا» در سورهٔ یوسف و «لنسفعاً» در سورهٔ علق، نون تأکید با الف نوشته می‌شود.[۹۷] نمونه‌ای دیگر، «إذَن» است که نحویان گرچه کتابت اذن را با نون لازم دانسته‌اند، لکن در تمامی نمونه‌های قرآنی آن[۹۸] با الف کتابت شده که برخی احتمال داده‌اند سببش وقف بر الف باشد،[۹۹] درحالی‌که «إذاً» را همواره با الف نوشته‌اند. رسم «کائن» با نون است (سیوطی، ۳۳۶/۲). گفتنی است که اصل کلمه، نه با الف یا تنوین، بلکه با نون ساکن است و نوشتار آن گرچه در تمامی

---

۹۵. نک: ص۶ همین نوشتار.

۹٦. نک: معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۳۱۵/۱تا۳۲۵.

۹۷. الضباع، سمیر الطالبین، ٦٢تا٦٥.

۹۸. ازجمله: اسراء: ۷۵تا۷۶، انعام: ۵۶، نساء: ۵۳.

۹۹. حمد، رسم الخط مصحف، ٢٤١.

نمونه‌های قرآنی‌اش «إذاً» آمده باشد، چنان‌که ذکر شد احتمالاً بر پایۀ تلفظ کلمه در حالت وقـف و نـه بـر پایۀ اصل آن کتابت شده است.

بدل، فی‌نفسه تأثیر چندانی در نتیجۀ پژوهش‌های آماری از جهت تعداد حروف کلمه ندارد، لکن بنا بر شمارش حروفی که در قرآن‌های چاپی لحاظ شده، حرف «ن» تأکید خفیفه که در اصـل واژه بـوده امـا در متن کنونی نیست، تعداد حرف در یک سوره نسبت به تعداد اصل آن حـرف تفـاوت می‌کنـد. مـثلاً بسـامد حرف الف در سورۀ یوسف با مَطلع «الر» آن‌گاه که «لیکونا» نوشته شود، یک الف اضافه و آن‌گاه کـه طبـق اصل، یعنی «لیکونن» نوشته شود یک الف کم دارد. همین مطلب دربارۀ پراکندگی حرف الف در سورۀ بقره با آغاز «الم» و در واژۀ «اذاً» (بقره: ۱۴۵) و «إذَنْ» که نوشتار نحوی‌اش با «نون» است، یک الف کم و زیاد می‌شود. یادآوری می‌شود که مطالعات آماری به‌دلیل محدودیتشان، تمامی سـوره‌های قـرآن را در شـمارش تعداد حروف، کلمات و بسامد حروف در بر نمی‌گیرد و کلیت مطالب فوق، تنها نقـد یـا نقضـی بـر روش پژوهش آن‌ها در اثبات اعجاز قرآن است.

۲. ۵. وقف

در زبان عربی، گاه وقف در پایان کلمه صورت می‌گیرد و حرکت حرف پایـانی را تغییـر می‌دهـد. ایـن تغییر تا آنجاست که صورت نوشتاری حرف را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و کاتب، آن را همان‌طور که می‌شنود و نه بر پایۀ اصل آن حرف و حرکت در حال وصل می‌نویسد.[۱۰۰] مواردی دیـده می‌شـود کـه در اثـر وقـف، نگارش واژه نسبت به سابق خود دگرگون شده است:

أ. تنوین: نون ساکنی است که در پایان اسامی منصرف اضافه شود.[۱۰۱] نوشتار تنـوین، همـاره یکسـان نیست و گاه به‌شکل دو حرکت روی هم یا در کنار هم نوشته می‌شود. اگر پس از تنوین، حـرف «ب» واقـع شود، بنا بر آنچه تلفظ می‌شود یک میم کوچک در کنار حرکت ظاهر می‌شود. (علیمٌ بـذات الصـدور)،[۱۰۲] ازاین‌رو دیده می‌شود که بعضی قرآن‌ها قواعد تجویدی را در خط برای نشان‌دادن تنوین نمایـان سـاخته‌اند؛ برای نمونه، در عبارتی چون «لهواًناَ نْفَضُّوا» (جمعه: ۱۱) نون را در میانۀ عبـارت گذاشـته‌اند. در مصـاحف این دوگانگی «لهواً انْفَضُّوا»[۱۰۳] و «لَهْوَانِ انفَضُّوا»[۱۰٤] به چشم می‌خورد و طبیعـی اسـت کـه رسـم «ن» در عبارت، یک حرف را نسبت به رسم اولیۀ آن افزوده است؛ مثلاً نوشتار عبارت، صرف‌نظر از ادغـام و...، بـا

۱۰۰. نک: حمد، رسم الخط مصحف، ۲۳۹.

۱۰۱. دانی، المحکم فی نقط المصاحف، ۵۷.

۱۰۲. نک: مارغنی تونسی، دلیل الحیران، ۴۲۸تا۴۲۹.

۱۰۳. مدینه، ٥٥٤؛ قاهره، ۷٤۲؛ مصطفی نظیف، ٤٤۲.

۱۰٤. نیریزی، ٥٨٦؛ طاهر خوشنویس، ٥١٥؛ لاهورکراچی، ۹۲۲.

ثبت «ن»)، ۱۱ حرف و بدون آن، ۱۰ حرف دارد. علاوه بر نوسان تعداد حروف آیه، تلفظ تنوین بر فرض که حرف نشانگر اتصال تنوین به کلمهٔ مابعدش را جزئی از رسم آن سوره شمارند، می‌تواند در بسامد حروف در سوره‌ها اثر گذارد؛ مثلاً در «رسولٌ بما» (بقره: ۸۷) که سوره با فاتحهٔ «الم» آغاز می‌شود، مصاحفی که «م» را نوشته‌اند،[۱۰۵] تنها در همین واژه، یک میم به تعداد حروف «م» در سورهٔ بقره افزوده‌اند. این مسئله، ذیل عبارت «علیمٌ بذات الصدور» (لقمان: ۲۳) دربارهٔ بسامد حرف «م» در سورهٔ لقمان با آغازگر «الم» نیز صادق است.

ب. وقف در رأس‌الآیة: در پژوهش‌های آماری، لزوماً مثال عددی که چنین وقفی را توجیه کند نیامده است و به نظر می‌رسد این به‌دلیل محدودبودن پژوهش‌ها در سوره‌هایی مشخص و غالباً از سوره‌های کوتاهِ جزء سی‌ام قرآن کریم است. بااین‌حال، تفسیر کلیت آن این است که اگرچه واژهٔ پایانی آیه‌ای «ال» معرفه داشته باشد، الف عوض تنوین در حالت وقف پایان آیه اثبات می‌شود. نمونهٔ روشن آن آیات ۱۰ و ۶۴تا۶۸ سورهٔ احزاب است که هریک به‌ترتیب به «الظنونَاْ، سعیراً، نصیراً، الرَّسولاْ، السبیلَاْ، کبیراً» ختم شده‌اند. واژهٔ اول، چهارم و پنجم که خود معرفه‌اند، با الف آمده‌اند. در برخی واژگان مانند «قواریرا» در «کانت قواریرا*قواریرا من فضة قدروها تقدیرا» (انسان: ۱۵تا۱۶) گروهی آن را با تنوین در حالت وصل و با الف در حالت وقف و گروهی دیگر آن را در حالت وصل بدون تنوین و الف و در حالت وقف بدون تنوین و الف یا بدون الف خوانده‌اند.[۱۰٦] بدیهی است، حذف الف عوض تنوین مثلاً در «الظنونا» ۱ حرف از تعداد ۷ حرف اولیهٔ واژه کم می‌کند.

ج. کأیِّن: برخی معتقدند در قرآن کریم تنها در واژهٔ «کأین» است که تنوین، نه به‌صورت الف، بلکه به‌صورت نون آمده است. «کأیِّن» هفت مرتبه در سوره‌های آل‌عمران: ۱۴۶؛ یوسف: ۱۰۵؛ حج: ۴۵ و ۴۸؛ عنکبوت: ۶۰؛ محمد: ۱۳؛ طلاق: ۸ تکرار شده است که این واژه نه در حالت وقف، بلکه در حالت وصل اراده شده است.[۱۰۷] هیچ‌یک از شش سورهٔ مزبور تاآنجاکه بررسی شد، از جهت شمارش تعداد حروف، محل تحقیق پژوهشگران آماری نبوده است. بدیهی است، «کَأَیِّنْ» اگر با حذف نون ساکن و به‌صورت تنوین «کَأَیٍ» نوشته شود، در تعداد حروف کلمه با صورت مکتوب که در رسم مصحف آمده، متفاوت خواهد بود.

د. نگارش تای تأنیث در اسم‌ها: کلماتی از قبیل؛ «رحمت، سنت، لعنت، امرأت، فطرت، قُرت

---

۱۰۵. مدینه، ۱۳؛ قاهره، ۱۷؛ طاهر خوشنویس، ١٤.

١٠٦. حمد، رسم الخط مصحف، ٢٤٢.

۱۰۷. دانی، المقنع، ٤٤.

و...» با تای کشیده کتابت شده‌اند، درحالی‌که در برخی مواضع همانند؛ «الغرفـة» (فرقـان: ۷۵) را حمـزه «الغُرفَةَ» و سایر قاریان «الغُرُفات» قرائت کرده‌اند.[۱۰۸] علاوه‌بر این، رسم واژگانی مانند: «جملت، کلمـت، الغرفت، بینت» و جز آن‌ها که مفرد و جمع‌بودنشان محل اختلاف قاریان است، گاه با «ها» و گاه بـا «تـا» قرائت شده‌اند.[۱۰۹] کلمه‌هایی که به تای کشیده یا های نشانهٔ تأنیث ختم می‌شوند، آن‌ها که رسمشان قرائـت دو صیغهٔ مفرد و جمع را در بر گیرد، تعداد حروف تشکیل‌دهنده‌شان نیـز متفـاوت اسـت؛ مـثلاً «بینـت» و «بینه» اگر به صیغهٔ جمع قرائت شود، یک حرف مازاد نسبت به قرائت مفرد آن دارد. در سایر نمونه‌هایی کـه هر دو قرائت افراد و جمعشان روایت شده این کاهش و افزایش یـک حـرف دیـده می‌شـود. حتـی می‌تـوان گفت: تلفظ «تای مبسوط» و «ها» در دو شکل نوشتاری، بر بسامد حرف «ها» در سوره‌هایی که بـا حـرف مقطعه آغاز می‌شوند نیز اثر دارد، مگر اینکه پژوهشگری بگوید هر دو شکل «ة» و «ت» جزء حـرف «تـا» شمرده می‌شوند. درعین‌حال، این سخن نیز خدشه‌پذیر است؛ چراکه نوشتار «ة» بیش از آنکه به «تا» شـبیه باشد، به «ها» می‌ماند، به‌ویژه آنکه در دوران پیش از نقطه‌گذاری حروف، روی های نشانهٔ تأنیث (ة) هـیچ نشانه یا اعجامی وجود نداشته است.[۱۱۰] از جهت پراکندگی «ها» و «تا» به‌ویژه در سورهٔ مریم و طه با فاتحهٔ «کهیعص» و «طه»، نمونه‌های نسبتاً بسیاری؛ از قبیل «رحمة(۲)، بقوة(۱۲)، آيَةً(۲۱) الحسرة-غفلة(۳۹)، الشفاعة(۸۷)، شیعة(۶۹)، الصلاة(۵۹)، ...» در سورهٔ مریم با شمارهٔ آیات ذکرشده و واژگـان «بآیـة-بیّنـة (۱۳۳)، کلمة (۱۲۹و۱۲۱)، الجنة (۱۱۷)، العاقبة (۱۳۲)،... در سورهٔ طه وجود دارند.

ه. های سکت: در زبان عربی، وقف بر سکون جایز و بر حرکـت کوتـاه، ناپسـند اسـت. بنـابراین، در وقف بر حرکت کوتاه، های سکت را به پایان واژه می‌افزایند. هفت واژهٔ «لـم یتسـنَّه» (بقـره: ۲۵۹)، کتابیـه (الحاقه: ۱۹ و ۲۵)، حسابیه (حاقه: ۲۰و۲۶)، مالیه (حاقه: ۲۸)، سـلطانیه (حاقـه: ۲۹)، ماهیـه (قارعـه: ۱۰)، های سکت دارند که همگی به قرائت و نه کتابت مرتبط است. کاتب گاه آنچه می‌شنود را می‌نویسـد، هرچند خلاف قواعد کتابت باشد.[۱۱۱] بنابراین، حذف یا اثبات های سکت در کتابت محل‌اختلاف است. از هفت واژهٔ نامبرده، «اقتده و لم یتسنّه»، های پایانی، کوتاه‌شدهٔ حرکتی بلند به‌سبب جزم یا طلب است. های پایانی در پنج واژهٔ دیگر به‌دلیل هماهنگی با فاصلهٔ آیات هم‌جـوار، بـه‌جای تـای تأنیـث نشسـته اسـت.[۱۱۲] افزودن «های سکت» به‌دلیل وقف بر حرکت کوتاه یا هم‌ردیف‌کردن قافیه با یک مقطع صوتی مشخص یا به

۱۰۸. ابن‌جزری، النشر فی القرائات العشر، ۳۵۱/۲.

۱۰۹. ابن‌جزری، النشر فی القرائات العشر، ۱۳۰تا۱۳۱.

۱۱۰. منجد، دراسات فی تاریخ خطّ العربیّ، ٤۳تا٤٤ و ۱۹تا۲۰.

۱۱۱. حمد، رسم الخط مصحف، ۲٤۹تا۲۵۰.

۱۱۲. حمد، رسم الخط مصحف، ۲۵۱.

هر دلیل دیگر که باشد با افزودن حرفی زاید بر تعداد حروف و واژه همراه است. این فزونی از خصوصیات آهنگ یا قرائت واژه است؛ لکن چنان‌که از نمونه‌ها پیداست «های سکت» در کتابت قرآن نیز نمود داشته است. بنابراین، اگر پژوهشگری آماری بخواهد آن واژه‌ها را نه بر پایهٔ قرائت که بر پایهٔ اصل کلمه کتابت کند، با حذف «های سکت» نتایجی دیگر را حتی با اختلافی اندک به دست خواهد داد؛ برای نمونه، در آیهٔ دهم سورهٔ قارعه با وجود «های سکت» کلمهٔ مزبور، پنج حرف و با حذف آن (ماهِیَ) که حذف ها، معنای واژه را بر هم نمی‌زند و بالعکس، اصل واژه به حذف آن است، چهار حرف خواهد داشت.

۲. ٦. حرف و کلمه

ازجمله موارد نقض نتایج پژوهش‌های آماری، تعریف حرف و کلمه و مصادیق آن دو است. دوگانگی صوت و نوشتار حروف و نقصان نوشتار در نمایش صدا تاآنجاست که زبان‌شناسان عرب وضع چهل شکل نوشتاری را برای چهل حرف ملفوظ لازم بدانند.[۱۱۳] در پژوهش‌های آماری، «کلمه» و «تعداد کلمات» در آیه یا سوره‌ها کاربردی نسبتاً فراوان دارند. ارائهٔ تعریفی روشن از کلمه کاری آسان نیست؛ چراکه کلمه در صَرف آن است که اگر حرفی از حروف الفبا تا زمانی که به حرف یا حروفی دیگر نپیوندد، حرف شمرده می‌شود؛ لکن با اتصال یک حرف به حرف یا حروفی دیگر، کلمه به وجود می‌آید.[۱۱٤] برخی، آیاتی مانند «و الفجر»، «و الضحی»، «و العصر» و «مُدهامَّتان» (الرَّحمن: ۶۴) را که اجزای آن در یک فضا و با هم نوشته می‌شوند یک کلمه به شمار آورده‌اند.[۱۱۵]

کلمه در تعریف نحویان سه قسم است: «اسم، فعل، حرف» که هریک تعاریف ویژهٔ خود را دارند.[۱۱٦] از سویی، مفهوم کلمه در املا و کتابت، با مفهوم کلمه در صرف و نحو و لغت و حروف تفاوت دارد؛ برای نمونه، در املای عربی جملاتی مانند: «لَیَسْتخلفَنَّهُمْ» (نور: ۵۵)، «أَنُلزِمُکُمُوها» (هود: ۲۸)، «فَأَسقَینَاکُمُوهُ» (حجر: ۲۲) به‌عنوان یک کلمه نوشته می‌شوند؛ درحالی‌که در صرف‌ونحو، هر عبارت چهار کلمه دارند. این مطلب برای موارد فراوان حروف تعریف در قرآن کریم نیز صادق است. «ال» تعریف در صرف‌ونحو، خود یک کلمه و کلمهٔ معرفه نیز کلمهٔ دوم است؛ درحالی‌که در کتابت، تمامی آن‌ها ازنظر قواعد املا و در تلفظ یک کلمه به شمار می‌روند.[۱۱۷] از پژوهش‌های آماری که به بحث حاضر پیوند بخورد، اعجاز عددی قرآن در معرفی شب قدر است که تفصیل آن در آغاز این نوشتار بیان شد. آیات ۱ تا ۵ سورهٔ

---

۱۱۳. حمد، رسم الخط مصحف، ۲۲۸.

۱۱٤. حسن، النحو الوافي، ۱۳/۱.

۱۱۵. زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۳۶۵/۱تا۳۶۶.

۱۱٦. نک: حسن، النحو الوافي، ۶۲/۱تا۶۳.

۱۱۷. حمد، رسم الخط مصحف، ٤۰۹.

قدر طبق تعریف نحویان از «کلمه» به ترتیب: ۹، ۸، ۷، ۱۵ و ۶ کلمه دارند. بر این اساس، «هِیَ» در آیهٔ پایانی، واژهٔ صدوچهل‌ویکم سوره، بدون احتساب «بسم الله الرحمن الرحیم» خواهد بود، نه کلمهٔ صدوبیست‌وهفتم که با آن شمارهٔ شب قدر در ماه رمضان را اثبات کنند. همچنین دربارهٔ مثال‌هایی چون تناسق عددی و تعداد کلمه‌های سورهٔ عصر و فلق؛ دنبالهٔ فیبوناتچی که تعداد کلمه‌ها را بدون شمارش حروف و ضمایر متصل مبنا گرفته‌اند؛ قرائت اعداد به دو روش معکوس؛ ساختار دوتایی و نقطه‌ای؛ تعداد کلمه‌های آیهٔ «إن الله و ملائکته یصلون علی النبی...» در اثبات عدد ۱۴، آیهٔ ۱۹ کلمه‌ای «و لا تدع مع الله إلهاً آخر...» در دلالت عدد ۱۹ بر توحید؛ تعداد ۱۰ (به‌جای ۲۰) کلمهٔ سورهٔ کوثر در بخشی از اثبات عدد ۱۲، بر همین مطلب صدق می‌کنند و در هیچ‌کدام از آن‌ها تمامی مصادیق «اسم، فعل، حرف» به‌عنوان تعریف نحوی کلمه شمرده نشده‌اند.

۲. ٦. ۱. حروف مقطعه

از موارد اختلاف حروف صامت عربی با معادل مکتوب آن‌ها، حروف مقطعه در آغاز برخی سوره‌هاست. حروف مقطعهٔ «الم، المر، کهیعص، طسم، ص، عسق، ق، ن، ...» نه مطابق تلفظ، بلکه بر نشانه‌های مکتوب خود منطبق است؛ یعنی حروف مقطعه با نخستین حرف از نام‌های الفبایی خود نوشته می‌شوند، نه با نام‌های آن‌ها؛[۱۱۸] لذا مثلاً «الف لام میم» نگارش نیافته است. ناگفته، میزان اختلاف در رسم دو قرائتِ حروف مقطعه پیداست و با فرض رسم فواتح با صوت آن‌ها، نتایج مطالعات آماری را ازنظرِ تعداد حروف آیه و سوره و حتی پراکندگی آن حروف در سوره‌های دارای فواتح تغییر می‌دهد. مثلاً فواتحِ دو سورهٔ قلم و مریم به‌صورت نخستین حرف از نام الفبایشان اگر فرضاً بنا بر نامشان کتابت شوند، به‌ترتیب در سورهٔ قلم و مریم، ۱ حرف، ۳ حرف و ۵ حرف، ۱۲ حرف (ن-نون؛ کهیعص، کاها یا عین صاد، در عین حذف تلفظ همزهٔ پایان اسامی حروف، مثل هاء، یاء) خواهند داشت.

دربارهٔ پراکندگی حروف نیز می‌توان پراکندگی حرف «ن» در سورهٔ قلم به تعداد ۱۳۳ مرتبه را مثال آورد که پیش‌تر ذکر شد. صرف‌نظر از درستی یا نادرستی این عدد، قرائت حرف «ن» با نام حرف، یعنی «نون» یک عدد به تعداد این حرف در سوره می‌افزاید؛ درحالی‌که در رسم قرآنی آن، تنها یک «ن» وجود دارد. بدیهی است، رسم آن به‌شکل «ن» و نه «نون»، وحی منزل نیست و فرض نوشتن آن به‌صورت «نون» بلااشکال است و البته این سخن به‌معنای تجویز کتابت به غیر از رسم موجود نیست.

۲. ٦. ۲. انقطاع و اتصال کلمات

«قطع» که اصل در نگارش کلمات است، جدایی کلمه در رسم از کلمهٔ پس از خود را گویند و در

۱۱۸. حمد، رسم الخط مصحف، ۲۵۱؛ نک: زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۴۳۱/۱.

مقابل، اتصال یا به‌هم‌پیوستگی دو کلمه در نوشتار است.[۱۱۹] آنچه در برخی واژگان دوبخشی قرآن دیده می‌شود، همواره اصل رعایت نشده و بر پایهٔ قواعد املای عربی، گاه دو یا چند کلمهٔ نحوی به یکدیگر متصل شده و خود، کلمه‌ای مستقل را تشکیل می‌دهند؛ از آن جمله برخی واژگان دو حرفی در قرآن هستند که گاه منقطع و گاه متصل رسم شده‌اند. در این عبارات، حرف پایانی کلمهٔ نخست با حرف آغازین کلمهٔ دوم مخرج صوتی مشترک داشته یا نداشته باشند: «أن لم، أنْ لن، أنْ لو، إنْ ما، إنْ لا، أمْ ما، عنْ من، عن ما، منْ ما، إنَّ ما، كلَّ ما، فی ما، أينَ ما، بئسَ ما، كی لا، لام جر در مثل "مالِ هذا الرسول" (ما لِهـذا الرسـول)، حيثُ ما، مای موصولی که مجرور به حرف جر همانند بِمَ، لِمَ، مِمَ، عَمَ، فيمَ واقع شده است، آلِ ياسين (اِلياسين)، و لاتَ حين (وَ لاتَحين)» را می‌توان نام برد.[۱۲۰] بیشتر این کلمات دوبخشی، به دو صورت متصل و منقطع کتابت شده‌اند؛ مگر آنان‌که رسمشان بالإتفاق متصل بوده است.[۱۲۱] بنابراین، جدا از تعداد حروفشان که در دو حالت اتصال و انقطاع چند حرف را شامل شوند، ازنظرِ «تعداد کلمات» مختلف خواهند بود. این اختلاف در تعداد کلمات، هم در تعریف نحوی و هم طبق قواعد املا لحاظ می‌شود. این بدان معناست که کلمه را هر طور تعریف کنند، عبارت دوبخشی در حالت اتصال یک کلمه و در حالت انقطاع دو کلمه شمرده می‌شود؛ مثلاً در اتصال و انقطاع رسم «أنْ لَن» (مزّمل: ۲۰) اختلاف‌نظر است، درحالی‌که در کهف: ۴۸ و قیامة: ۳ همین کلمه را بدون «ن» (ألَن) و در سایر موارد با «ن» (أن لن) کتابت کرده‌اند.[۱۲۲] بدیهی است که احتساب این اختلافات در رسم، روی نتایج پژوهش‌های آماری مثل اثبات اعجاز عدد ۲۹، آنجا که تعداد کلمه‌ها را معیار شمارش گرفته‌اند، ساختار دوتایی و ساختار نقطه‌ای آن‌گاه که مثلاً «أَنَّ ما» و «أَنَّما» را یک کلمه یا دو کلمه حساب کنند، به‌ترتیب یک و دو، معادل عددی خواهند داشت در دنبالهٔ فیبوناتچی؛ چراکه نتیجهٔ آن در حالت اتصال کلمه، یک عدد و در حالت انقطاع کلمه، یک عدد بیشتر خواهد بود.

۲. ۷. اثرپذیری یک حرف از حرف مجاور

۲. ۷. ۱. ادغام یا تشدید حروف

حرف ساکنی که با حرفی دیگر از جنس خود بیاید و میانشان نیز حرکت یا فاصله‌ای نباشد، دو حرف، یکی شده و زبان آن دو را با هم و در یک‌بار به‌شدت تلفظ می‌کند. گاه یکی‌شدن دو حرف در کتابت نیز اثر می‌گذارد و دو حرف را با یک علامت می‌نویسند. اینجا نیز کاتب، گاه واژه را طبق قاعده و اصل واژه نوشته

---

۱۱۹. ضباع، سمیر الطالبین، ٦٤.

۱۲۰. ضباع، سمیر الطالبین، ۶۶تا۶۹؛ نک: حمد، رسم الخط مصحف، ۴۱۸تا۴۱۹.

۱۲۱. ارکاتی، ۵۵۳/۵ و ۵۷۰ و ۵۹۹؛ ۱۱/۶ و ۴۷تا۴۸.

۱۲۲. ارکاتی، ۵۵۷/۷تا۵۵۸.

و گاه بر پایهٔ آنچه که شنیده است، کتابت می‌کند. نمونه‌های «اللؤلؤ، اللوامه، اللعنون، اللغو، اللهـم، اللـه، ...» طبق قاعده و در مقابل، «اللیل، الذی، و الذین، الئی، التی، ...» بر پایهٔ تلفظ رسم شده‌اند.[۱۲۳] بـر ایـن اساس، دوگانگی کتابت در رسم کلماتی که حرف مضاعف یا مشدد دارنـد، در مصـاحف دیـده می‌شـود. حال، اگر این دوگانگی‌ها در رسم یا بر پایهٔ قرائت یا بر پایهٔ اصلشان همسان‌سازی شوند، تغییرات در تعـداد حروف، تغییراتی را در نتایج مطالعات آماری به وجود خواهند آورد؛ مثلاً در نمونه‌های مذکور، اگر «التی» را «اللتی» یا «اللغو» را «الغو» بنگارند، تعداد حروف نیز به تَبَع یک حرف کمتـر یـا بیشـتر می‌شـود یـا در تماثل آیات که ذیل آیهٔ «فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» تعداد حروف را ٤٤ بر شمرده‌اند، باید گفت: صرف‌نظر از شمارش سایر حروف آیه از قبیل الف محذوف در «هـذا»، در بحث حاضر، با احتساب دو حرف «ذال» در «یکذّب»، آیه نه بر ۴۴ کـه بـر ۴۵ حـرف مشـتمل اسـت یـا دربارهٔ سورهٔ عصر که طبق نسخهٔ قاهره ۹۰ حرف دارد، اگر حروف مشدد در «إنَّ، إلّا، الّذین، الحقّ» نیز دو بار شمرده شوند، با احتساب حروف مدغَم در همین ۴ واژه، سورهٔ عصر مجموعاً ۹۴ حرف خواهد داشت. علاوه‌بر این، برخی قرآن‌ها قواعد تجویـد را کـه بـه قرائـت مـرتبط اسـت در رسـم وارد کرده‌انـد؛ مـثلاً در مصاحف مدینه،[۱۲٤] قاهره،[۱۲٥] ایران به خط طاهر خوشنویس[۱۲٦] و ترکی بـه خـط مصـطفی نظیـف[۱۲۷] بـرای ادغام «دال» و «تا» در «قَدْ تَبَيَّنَ» (بقره: ٢٥٦) بی‌آنکه دال را حذف کننـد، روی «تـا» تشـدید گذارده‌انـد؛ گویی در رسم، یک تای دیگر به تعداد حروف افزوده‌اند (قَدتّبیّن← قَدتتبیّن: بدون احتسـاب دو حـرف در یاء مشدد: ۷حرف)، درحالی‌که در قرآن ایرانی به‌خط نیریزی[۱۲۸] نشانهٔ تشدید روی تا وجود ندارد.

۲. ۷. ۲. ادغام و تشدید در حروف مقطعه

در حروف مقطعه نیز ادغام تام مانند ادغام میم در لام «الم» و نون سـین در مـیمِ «طسـم» و نـاقص؛ مانند ادغام نون سین در «یس» و «ن و القلم» بنا بر روایت ورش دیده می‌شود. در هر دو مورد، روی میم در «الم» و «طسم» نشانهٔ تشدید می‌گذارند.[۱۲۹]

افزون بر اینکه، رسم و قرائت حروف مقطعه به‌هیچ روی یکسان نیست؛ ادغامشان نیز محـل گفـت‌وگو است؛ با این توضیح که اگرچه فواتح سور بدان صورت که قرائت می‌شوند کتابت نشده‌اند، بلکـه در رسـم،

---

۱۲۳ نک: دانی، المقنع، ٦٧.

.٤٢ .١٢٤

.٥٣ .١٢٥

.٤٢ .١٢٦

.٣٣ .١٢٧

.٤٣ .١٢٨

۱۲۹. مارغنی تونسی، دلیل الحیران، ۲۴۴؛ نک: شورای تحقیق، بررسی تطبیقی رسم‌المصحف، ۱۲۴.

ادغام صوتی برخی حروف در یکدیگر نشان داده شده‌اند؛ برای نمونه، به‌سبب ادغام میم در لام «الم» و نونِ سین در میم «طسم»، روی میم در «الم» و «طسم» یک علامت تشدید گذاشته می‌شود. ناگفته پیداست که قرائت حروف مقطعه، چه در ادغام و چه در اظهارشان، با کتابت آن‌ها تفاوتی بسیار دارند. ناگفته نماند که بخش عمده‌ای از تحقیقات محققانی که در پی اثبات اعجاز عددی قرآن بودند، بر مبنای شمارش تعداد حروف سوره یا آیه استوار است و نمونه‌هایی از آن در بخش آغازین تحقیق گزارش شد. درعین‌حال، ایشان عمدتاً شمارش تعداد حروف سوره‌های بلند قرآن را در نظر نداشته‌اند؛ از آن جمله، سوره‌هایی است که با حروف مقطعه‌ای مثل «الم، طسم» آغاز شده‌اند که در برخی قرآن‌ها روی حرف «م» در این فواتح نشانهٔ تشدید گذارده‌اند. بنابراین، همان‌گونه که در آیهٔ «فذرنی و من یکذّب بهذا...» و سورهٔ عصر، حروف مشدد را نشمرده و اگر آن‌ها را نیز در شمارش لحاظ می‌کردند به تعداد حروف مدغَم، یک عدد به شمارش اولیه اضافه می‌شد، در ادغام حروف فواتح سور نیز همین مسئله به چشم می‌خورد. درنتیجه، اگر یک پژوهشگر آماری، کتابت و ادغام حروف مقطعه را بر پایهٔ قرائتشان مبنای مطالعات خود قرار دهد، نتایج حاصل نیز با نتایج مطالعات موجود تفاوتی بنیادین خواهند داشت.

۲. ۸. دو حرف هم‌جنس در کنار هم

در مطالعات آماری، نمونه‌ای عینی که به‌دلیل باهم‌آیی دو حرف هم‌جنس در کنار هم، در حذف یکی یا اثبات هر دو اختلاف پیش آید، یافت نشد و مثال‌هایی چون «ننجی و لننظر» برای پژوهشگران آماری به‌دلیل محدودبودن تحقیقاتشان مطرح نبوده‌اند، لکن بنا بر کارکردشان و کلیت تحقیقات آن‌ها می‌توان چنین فرضی را در این مثال ازنظر اختلاف در تعداد حروف در نظر گرفت. توضیح آنکه، اصل واژهٔ «نجی» در «وَكَذَٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» (انبیاء: ۸۸)، «ننجی» بوده است و قاریان به‌دلیل احتمال دو قرائت، رسم یک نون را پذیرفته‌اند.[۱۳۰] حذف نون دوم به‌دلیل ادغام یا اخفای نون دوم باوجود «ج» پس از آن یا جز این بوده باشد، از کتابت کلمه، مطابق با تلفظ و متفاوت با اصل واژه حکایت دارد. بیشتر قاریان، کلمهٔ مزبور را با دو نون و برخی نیز با یک نون (نجی) قرائت کرده‌اند.[۱۳۱] نمونه‌ای دیگر، «لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ» (یونس: ١٤) است که در برخی مصاحف با حذف یکی از دو «ن» و احتمالاً به‌دلیل اخفای نون دوم کتابت شده است. بسا که این نیز به‌سبب نوشتار از روی تلفظ و نه اصل کلمه بوده باشد.[۱۳۲] «ننجی و لننظر» اگر بر پایهٔ اصلشان یا با حذف یک نون کتابت شوند، در هر دو حالت، به تعداد حروف واژه، یک حرف افزوده یا از آن

۱۳۰. ضباع، سمیر الطالبین، ۵۰.

۱۳۱. ضباع، سمیر الطالبین، ۵۰.

۱۳۲. حمد، رسم الخط مصحف،۲۳۷تا۲۳۸؛ ضباع، سمیر الطالبین، ۵۰.

کم می‌کنند و این بر نتایج شمارش آماری اثر خواهد گذاشت. اما ازنظرِ اثـر بـر بسـامد حـروف در سـوره می‌توان گفت: در واژگان «ننجـی، لننظـر، لننصـر» کـه در سـوره‌های انبیـا، مـریم، یوسـف و... آمده‌انـد، پراکندگی حرف «ن» در این سوره‌ها مطرح نیست؛ چراکه سوره‌های نـام‌برده بـا فـواتح حـاوی «ن» شـروع نشده‌اند. درهرحال، کلیت این بحث و شمارش حـرف «ن» در کلمـه‌های مزبـور، بـا چالشـی پـیش روی پژوهشگران آماری از حیث بسامد و حروفی مشخص در سوره‌هاست.

نتیجه‌گیری

اینک روشن شد که اولاً، رسم‌الخط در مصـاحف گونـاگون بـا هـم اخـتلاف دارنـد؛ ثانیـاً، هریـک از پژوهش‌های آماری را اگر بر آن اختلاف‌ها در رسم عرضه دارند، نتایج متفاوت به دست خواهد آمـد؛ مثـل اختلاف تعداد حروف در سورۀ عصر و فلق، تعداد کلمات در اثبات اعجاز اعداد ۱۹، ۷، ۱٤،...، اثر ادغام در تعداد حروف آیۀ بسمله، حذف و اثبات الف یا همزه در تعداد حروف واژه در سورۀ عصر و کوثر و... .

نتایج تمامی نمونه‌های آماری که مبنـای آن‌هـا شـمارش حـروف و کلمـات اسـت، بـر پایـۀ اخـتلاف رسم‌الخط تغییر می‌یابند؛ به‌ویژه آنجا که حرف یا حروفی از کلمه کم یا زیاد می‌شوند. علاوه‌بـر ایـن، گـاه رسم‌الخط واژه‌ای با واژگان مشابه در همان مصحف مانند: «الضعفاء-الضعفؤا» متفاوت است. همـۀ ایـن اختلاف‌ها در رسم، و دست‌کم اختلاف در شکل کتابت یا تعداد حروف، نتـایج آمـاری را تغییـر می‌دهـد. دربارۀ اختلاف در تعداد کلمه‌های یک آیه یا سوره نیز در مواردی که مبنـای پژوهشـگران شـمارش کلمـات بود، بنا بر گوناگونی تعریف کلمه در نحو و املای عربی، نتایج متفاوت حاصل خواهد شد.

منابع

قرآن کریم. به‌خط مصطفی نظیف. مانیا: دفتر اقتصادیات الشرق. چاپ‌دوم، ۱۹٦۹تا۱۹۷۰م.

قرآن کریم. مصحف المدینة النبویّة. عربستان: مجمع الملک فهد. ١٤٠٥ق.

قرآن کریم. به‌خط احمد نیریزی. تهران: اسماعیلیان. چاپ بیست‌ویکم، ۱۳۸۲.

قرآن مجید. تاج کمپنی لمید-قرآن منزل. لاهور کراچی: دهاکه، شیخ عنایت‌الله ایندکو. بی‌تا.

قرآن کریم. به‌خط طاهر خوشنویس. بی‌جا: بی‌نا. بی‌تا.

قرآن کریم. چاپ قرآن قاهره. بازنشر نسخه از کتابخانۀ ایالتی برلین. چاپ‌اول، ١٩٢٤م.

ابن‌ابی‌داود، عبدالله‌بن‌سلیمان. المصاحف. مصحح: آرتورجفری. E. J. Brill: Leiden، چاپ‌اول، ۱۹۳۷.

ابن‌جزری، محمدبن‌محمد. النشر فی القرائات العشر. تصحیح: علی محمد الضـباع. بیـروت: دار الکتـب العلمیـة. بی‌تا.

ابن‌کثیر، اسماعیل‌بن‌عمر. تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الفکر. ١٤٠٣ق.

ارکاتی، محمدغوث. نثر المرجان فی رسم نظم القرآن. حیدرآباد دکن: شمس الإسلام. بی‌تا.

باقلانی، محمدبن‌طیب. الإنتصار للقرآن. تحقیق: قضاة محمد عصام. بیروت: دار الفتح. ١٤٢٢ق.

بحرانی، هاشم‌بن‌سلیمان. البرهان فی تفسیر القرآن. قم: دار التفسیر. ۱۳۷۵.

بخیت، عبدالباسط محمود. اشارات قرآنیة للعلوم الریاضیة و الإعجاز الحسابی. مراجعة و تقدیم: زغلول راغب النجار. قاهره: الهیئة المصریة العامة للکتاب. ۲۰۰۶م.

بیضون، لبیب. الإعجاز العددی فی القرآن. بیروت: اعلمی. چاپ‌اول، ۱۴۲۵ق.

تفکری، حسن. پژوهشی در رسم‌المصحف و شیوه‌های علامت‌گذاری در قرآن کریم. تهران: پیام عدالت. چاپ‌اول، ۱۳۸۵.

جعیدی، عبید سلیمان. «الإعجاز العدد القرآنی فی حقائق تاریخیّة و فلکیّة». الندوة الثانیة للإعجاز فی القرآن الکریم: الإعجاز العددی فی القرآن الکریم. ۱۳تا۱۲ مارس ۲۰۰۷. دبی: الجائزة دبی الدولیّة للقرآن الکریم. ۱۴۲۸ق.

حسن، عباس. النحو الوافی. تهران: ناصر خسرو. چاپ‌چهارم، ۱۴۱۶ق.

حمد، غانم قدوری. رسم الخط مصحف. مترجم: یعقوب جعفری. به‌کوشش مرکز ترجمهٔ قرآن مجید به زبان‌های خارجی وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه. بی‌جا: اسوه. چاپ‌اول، ۱۳۷۶.

خطیب، عبدالحلیم‌بن‌شیخ‌محمد. اسرار معجزة القرآن الکریم، تقدیم: ابراهیم‌محمد سلقینی. سوریه: دار القلم العربی. چاپ‌اول، ۱۴۱۷ق.

دانی، عثمان‌بن‌سعید. المقنع فی معرفة مرسوم مصاحف اهل الأمصار مع کتاب النَّقط. تحقیق: محمد احمد دهمان. دمشق: دار الفکر. ۱۴۰۳ق.

______________. المحکم فی نقط المصاحف، تحقیق عزة حسن. دمشق: وزارت الثقافة و الإرشاد القومی فی الأقالیم ال. ۱۳۷۹ق.

دیباجه، جمیل. عجائب العدد و المعدود فی القرآن الکریم. بیروت: دار المحجّة البیضاء، دار الرسول الأکرم. چاپ‌اول، ۱۴۱۹ق.

دیسی، عمرعلی. اسرار و اعجاز الرقم ۲۹ فی القرآن الکریم. اردن: دار الکندی. چاپ‌اول، ۲۰۰۹م.

رفاعی، عدنان. إحدی الکُبَر، نظریّة قرآنیّة فی معجزة إحدی الکُبَر(معجزة عدد ۱۹). دمشق: رفاعی. ۲۰۰۱م.

زرقانی، محمدعبدالعظیم. مناهل العرفان فی علوم القرآن. بی‌جا: عیسی البابی الحلبی و شرکاه. چاپ‌سوم، بی‌تا.

زرکشی، محمدبن‌بهادر. البرهان فی علوم القرآن. تحقیق: یوسف عبدالرحمن مرعشلی، جمال حَمدی ذهبی، ابراهیم عبدالله کردی. بیروت: دار المعرفة. چاپ‌دوم، ١٤١٥ق.

سلیمان، حسین. الإعجاز العددی و الرقمی فی القرآن الکریم. سوریة: دار النهج. چاپ‌اول، ۱۴۲۸ق.

سیوطی، عبدالرحمان‌بن‌ابی‌بکر. الإتقان فی علوم القرآن. تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم. بی‌جا: الهیئة المصریّة العامة للکتاب. ١٣٩٤ق.

شریف، عدنان. من المعجزة الرقمیَّة فی فاتحه القرآن الکریم و آیات للأحرف المقطعّة. بیروت: الدار العربیة للعلوم. چاپ‌اول، ۱۴۲۳ق.

شورای تحقیق: کریم دولتی و دیگران. بررسی تطبیقی رسم المصحف، شیوۀ نگارش و علامت‌گذاری قرآن کریم. تهران: مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران. چاپ‌دوم، ۱۳۸۷.

ضباع، علی‌محمد. سمیر الطالبین فی رسم و ضبط الکتاب المبین. قراءة و تنقیح: محمدعلی خلف الحسینی. مصر: المکتبة الأزهریّة للتراث. چاپ‌اول، ۱۴۲۰ق.

عبدالتواب، رمضان. مباحثی در فقه اللغة و زبان‌شناسی عربی. مترجم: حمیدرضا شیخی. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی. ۱۳۶۷.

فقیه، رضوان سعید. الکشوف فی الإعجاز القرآنی و علم الحروف. بیروت: دار المحجة البیضاء، دار الرسول الأکرم. چاپ‌اول، ۱۴۲۲ق.

قبطانی، فرید، احمد حجاج اول امین. الصدفة المنظمة الإعجاز العددی فی القرآن. پاریس: المرکز العالمی للأبحاث العلمیة. چاپ‌دوم، ۱۹۹۹م.

قوام‌پور، خشایار. آنالیز عددی سورۀ کوثر. مشهد: راهیان سبز. چاپ‌اول، ۱۳۸۷.

کحیل، عبدالدائم. معجزة قل هو الله أحد: حقائق رقمیّة تشهد علی وحدانیة الله عزوجل. سوریه: دار المنار. چاپ‌اول، ۱۴۲۵ق.

مارغنی تونسی، ابراهیم‌بن‌احمد. دلیل الحیران فی شرح منظومة مورد الظمآن فی رسم أحرف القرآن. تحقیق: جمال‌الدین محمد شرف. طنطا: دار الصحابة للتراث. چاپ‌اول، ۱۴۲۷ق.

معرفت، محمدهادی. التمهید فی علوم القرآن، مترجم: جواد ایروانی. قم: تمهید. چاپ‌دوم، ۱۳۸۸.

منجد، صلاح‌الدین. دراسات فی تاریخ خطّ العربیّ، منذ بدایته إلی نهایة العصر الأموی. بیروت: دار الکتاب الجدید. چاپ‌اول، ۱۹۷۲م.

نجدی، ابوزهراء. من الإعجاز البلاغی و العددی للقرآن الکریم. تقدیم: محمد سالار. بی‌جا: الوکالة العالمیة. ۱۴۱۰ق.

نهاد جرار، بسام. اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم مقدّمات تنتظر النتائج. بیروت: المؤسسة الإسلامیة. چاپ‌سوم، ۱۴۲۵ق.

واحدیان درگاهی، محمدتقی؛ شاهرودی، جعفر. تحدّی ریاضیّاتی قرآن کریم با سایر کتب. مشهد: یوسف فاطمه(ع). چاپ‌اول، ۱۳۹۲.

هال، رابرت اندرسن. زبان و زبان‌شناسی. مترجم: محمدرضا باطنی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

چاپ‌سوم، ۱۳۸۱.

Transliterated Bibliography

ʿAbd al-Tawāb, Ramiḍān. *Mabāḥithī dar Fiqh al-Lugha va Zabānshināsī ʿArabī. translated* by Ḥamīd Riżā Shaykhī. Mashhad: Muʿāvinat Farhangī Āstān-i Quds-i Rażavī.1989/1367.

Arkātī, Muḥammad Ghawth. *Nathr al-Marjān fī Rasm Naẓm al-Qurān*. Ḥīdar Ābād Kadkan: Shams al-Islām. s.d.

Baḥrānī, Hāshim ibn Suliymān. *al-Burhān fī Tafsīr al-Qurān.* Qum: Dār al-Tafsīr. 1996/1375.

Bakhīt ʿAbd al-Bāsiṭ *Ma*ḥmūd. *Ishārāt Qurānīya lil- ʿUlum Riyāḍīya wa al-Iʿjāz al- Ḥisābī.* Murājʿa wa Taqdīm: Zaghlūl Rāghib al-Najjār. Cairo: al- Hiyʾat al-Miṣrīya al-ʿĀmma li-l-Kitāb 2006.

Bāqalānī, Muḥammad ibn Ṭīb. *al-Intiṣār lil- Qurān*. researched *by Qa*ḍāt Muḥammad ʿAṣām. Beirut: Dār Fatḥ. 2001/1422.

Bayḍūn, Labīb. *al-Iʿjāz al-ʿAdadī fī Qurān.* Beirut: Aʿ*a*lamī. Chāp-i Aval, 2004/1425.

Ḍabbāʿ, ʿAlī Muḥammad. *Samīr al-Ṭālibīn fī Rasm wa Ḍabṭ al-Kitāb al-Mubīn*. Qirā*ʾt wa Tanqī*ḥ Muḥammad ʿAlī Khalaf al-Ḥusaynī. Egypt: Maktaba Azharīya li-*T*ūrāth. Chāp-i Aval. 1999/1420.

Dānī, ʿUthmān ibn Saʿīd. *al-Muḥkam fī Nuqqaṭ al-Maṣāḥif.* Researched *by ʿIzzah* Ḥasan. Damascus: Wizāra al-Thiqāfa wa al-Irshād al-Qūmī fī al-Aqālīm. 1960/1379.

Dānī, ʿUthmān ibn Saʿīd. *Al-Muqaniʿ fī Maʿrifah Marsum Maṣāḥif Ahl al-Amṣār Maʿa Kitāb al-Nuqqaṭ*. Researched *by* Muḥammad Aḥmad Dahmān. Damascus: Dār al-Fikr. 1983/1403.

Dībājih, Jamīl. *ʿAjāʾib al-ʿAdad wa al-Maʿdūd fī al-Qurān al-Karīm.* Dār al-Maḥja al-Bayḍāʾ, Dār al-Rasūl al-Akram. Chāp-i Aval, 1998/1419.

Dīsī, ʿUmar ʿAlī. *Asrār wa Iʿjāz al-Raqam 29 fī al-Qurān al-Karīm.* Urdun: Dār al-Kindī. Chāp-i Aval, 2009.

Faqīh, Riḍwān Saʿīd. *al-Kushūf fī al-Iʿjāz al-Qurānī wa ʿUlūm al-Ḥurūf.* Beirut: Dār al-Maḥja al-Bayḍāʾ, Dār al-Rasūl al-Akram. Chāp-i Aval, 2001/1422.

Hall, Robert Anderson. *Zabān va Zabānshināsī. translated* by Muḥammad Riḍā Bāṭinī. Tehran: Intishārāt-i ʿIlmī va Farhangī. Chāp-i Sivum. 2002/1381.

Ḥamd Ghānam Qadūrī. *Rasm al-Khaṭṭ Muṣḥaf. translated* by Yaʿqūb Jaʿfarī. Bi Kushsh Markaz Tarjumah-yi Qurān-i Majīd bi Zabān-hā-yi Khārijī Vābastih bi Sāzimān-i Awqāf va Umūr Khiyrīyih. S.l. Usvih. Chāp-i Aval, 1998/1376.

Ḥasan, ʿAbbās. *al-Naḥw al-Wāfī.* Tehran: Nāṣir Khusrū.1995/1416.

Ibn Jazarī, Muḥammad ibn Muḥammad. *al-Nashr fī al-Qirā'āt al-'Ashr*. Ed. 'Alī Muḥammad al- Ḍabā'. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya. s.d.

Ibn Abī Dāwud, 'Abd Allāh ibn Suliymān. *al-Maṣāḥif.* ed. Arthur Jeffery. E. J. Brill: Leiden, Chāp-i Aval, 1937.

Ibn Kathīr, Ismā'īl ibn 'Umar. *Tafsīr al-Qurān-i al-'Aẓīm*. Beirut: Dār al-Fīkr.1983/1403.

Ju'aydī, Ubayd Sulaymān. "al-I'jāz al-'Adad al-Qurānī fī Ḥaqā'iq Tārīkhīya wa Falakīya". *Al-Nadwah al-Thānīyah lil- I'jāz fī al-Qurān al-Karīm. Al-I'jāz al-'Adadī fī al-Qurān al-Karīm.* March 13-12, 2007. Dubiy: al-Jā *'iza* Dubiy al-Dūlīya lil- *Qurān al-Karīm.* 2007/1428.

Kaḥīl, 'Abd al-Dā *'im. Mu'jizat Qul Huwa Allāh Aḥad: Ḥaqā 'iq Raqmīyah Tashhad 'Alā Waḥdānīyat Allāh 'Azz wa-jall.* Syria: Dār al-Minār. Chāp-i Aval, 2004/1425.

Khaṭīb, 'Abd al-Ḥalīm ibn Shaykh Muḥammad. *Asrār al-Mu'jazat al-Qurān al-Karīm.* Taqdīm: Ibrāhīm Muḥammad Salqīnī. Syria: Dār al-Qalam al-'Arabī. Chāp-i Aval, 1996/1417.

Mārghanī Tūnisī, Ibrāhīm ibn Aḥmad. *Dalīl al- Ḥayrān fī Sharḥ Manẓūmah Mawrid al-Ẓam'ān fī Rasm Aḥraf al-Qurān*. researched *by* Jam al-Din Muḥammad Sharaf. Ṭanṭā: Dār al-Ṣaḥāba lil-*T*ūrāth. Chāp-i Aval, 2006/1427.

Ma'rifat, Muḥammad Hādī. *al-Tamhīd fī 'Ulūm Qurānī. translated* by Javād Īravānī. Qum: Tamhīd. Chāp-i Duvūm, 2010/1388.

Munajjid, Ṣalāḥ al-Dīn. *Dirāsāt fī Tārīkh Khaṭṭ al-'Arabī, mudh Bidāyatih Ilā Niḥāya 'Aṣr-i al-Umawī.* Beirut: Dār al-Kitāb al-Jadīd. Chāp-i Aval, 1972.

Nahād Jarār, Bastām. *I'jāz al-Raqam 19 fī al-Qurān-i al-Karīm Muqadamāt Tanẓur al-Natā'ij.* Beirut: Mū'assisa al-Ialāmīyya. Chāp-i Sivum, 2004/1425.

Najdī, Abū *Zahrā'. Min al-I'jāz al-Balāghī wa al-'Adadī lil-Qurān al-Karīm.* Taqdīm: Muḥammad Sālār. S.l. al-Wikāla al-'Ālamīya. 1990/1410.

Qavāmpūr, Khashāyār. *Ānālīz 'Adadī Sūrih-yi Kawthar*. Mashhad: Rāhīyān Sabz. Chāp-i Aval, 2009/1387.

Qubṭānī, Farīd, Aḥmad Awwal Amīn. *Al-Ṣudfah al-Munaẓẓamah al-I'jāz al-'Adadī fī al-Qurān.* Pārīs: Markaz al-'Ālam li al-Abḥāth 'Ilmīyya. Chāp-i Duvūm, 1999.

Qurān-i Karīm. Bi Khaṭṭ-i Aḥmad Niyrīzī. Tehran: Ismā'īlīyān. Chāp-i Bist va Yikum. 2004/1382.

Qurān-i Karīm. Bi Khaṭṭ-i Muṣṭafā Naẓīf. Mānīyā: Daftar Iqtiṣādīyāt al-Sharq. Chāp-i Duvūm, 1969-1970.

Qurān-i Karīm. Bi Khaṭṭ-i Ṭāḥir Khūshnivīs. S.l. s.n. s.d.

Qurān-i Karīm. Chāp Qurān Qāhirih. Bānashr Nuskhah az Kitābkhānih-yi Iyālatī Birlīn. Chāp-i Aval, 1924.

Qurān-i Karīm. Muṣḥaf al-Madīna al-Nabawīyya. ʿArabistān: Majmaʿ al-Malik Fahad. 1985/1405.

Qurān-i Majīd. Tāj Kampanī Lamīd-Qurān Manzil. Lāhūr Karāchī: Dhākih, Shaykh ʿInāyat Allāh Īndkū. S.d.

Rifāʿī, ʿAdnān. *Iḥā al-Kubar: Naẓarīyah Qurānīyah fī Muʿjazat al-Iḥā al-Kubar(Muʿjazat ʿAdad 19).* Damascus: Rifāʿī. 2001.

Sharīf, ʿAdnān. *Min al-Muʿjazat al-Raqamīyah fī Fātiḥat al-Qurān-i al-Karīm wa Āyāt al-Aḥruf al-Muqaṭṭaʿah.* Beirut: al-Dār *al-ʿArab*īya lil- ʿUlūm. Chāp-i Aval, 2002/1423.

Shurāy Taḥqīq: Karīm Dūlatī et al. *Barrisī Taṭbīqī Rasm al-Muṣḥaf Shyvih-yi Nigārish va ʿAlāmatguẕārī Qurān-i Karīm.* Tehran: Markaz Maṭbʿ va Nashr Qurān Jumhūrī Islāmī Irān. Chāp-i Duvūm, 2009/1387.

Sulaymān, Ḥusayn. *al-Iʿjāz al-ʿAdadī wa al-Raqamī fī al-Qurān al-Karīm.* Syria: Dār al-Nahj. Chāp-i Aval, 2007/1428.

Suyūtī, ʿAbd al-Raḥmān ibn abī bakr. *al-Itqān fī ʿUlūm al-Qurān.* researched *by* Muḥammad Abū al-Faḍl Ibrāhīm.s.l. al-Hiyʾat al-Miṣrīya al-ʿĀmma li-l-Kitāb. *1974/1394.*

Tafakurī, Ḥasan. *Pazhūhishī dar Rasm al-Muṣḥaf va Shīvih-hā-yi ʿAlāmatguẕārī dar Qurān-i Karīm.* Tehran: Payām-i ʿAdālat. Chāp-i Aval, 2007/1385.

Vāḥīdīyān Dargāhī, Muḥammad Taqī; Shāhrūdī, Jaʿfar. *Taḥaddī Riyāżīyātī Qurān-i Karīm bā Sāyir Kutub.* Mashhad: Yūsuf Fatḥīyih(AS). Chāp-i Aval, 2013/1392.

Zarkashī, Muḥammad ibn Bahādur. *al-Burhān fī ʿUlūm al-Qurān.* Researched *by* Yūsuf ʿAbd al-Raḥmān Marʿashlī, Jamāl Ḥamdī Dhahabī, Ibrāḥim ʿAbd Allāh Kurdī. Beirut: Dār al-Maʿrifa. 1994/1415.

Zarqālī, Muḥammad ʿAbd al-ʿAẓīm. *Manāhl al-ʿIrfān fī ʿUlūm al-Qurān.* S.l. ʿĪsā al-Bābī al-Ḥalabī wa Shurakā. Chāp-i Sivum. S.d.